

بسم الله الرحمن الرحيم  
سرشت و بنیان علم و حکمت  
در جهان غرب

# The nature and basis of science and wisdom in the west

( کتاب تصویری )

Pictorials Book

سوغات غرب

## **souvenir of the west**

شعر طنز، متن و تنظیم از : محمود صانعی پور

Mocks poems, texts and conduction from:

Mahmoud Saneipour

مورخ : خردادماه 1395

Date: June 2016

با مقالات تشریحی (ضمیمه)

by descriptive articles (were attached)

**In Australia**

**Part one (8 sections)**

**Basis on usefulness science**

Contains:

- قسمت اول- علم ژنتیک و مسئله تقوی ( genetic science and problem of faith )  
قسمت دوم : فرق واقعی و حقیقی در غرب ( what is difference between reality and truth )  
قسمت سوم : غرب یک کیمیا گر عجیب است (the west is a tremendous alchemist)  
قسمت چهارم – تکاپوهای جدید در غرب ( the new searching in the west )  
قسمت پنجم – پرواز غرب به آسمانها ( flying the west to sky's )  
قسمت ششم – ملقمه علم و جهل در غرب (the conglomerate of science and non-science in the west )  
قسمت هفتم – باورهای قطعی غرب ( determinate believers in the west )  
قسمت هشتم – نگرانی و هراس غربیها (worry and horror of westerns)  
ضمائم : ده مورد

**قسمت اول- علم ژنتیک و مسئله تقوی ( genetic science and problem of faith )**

ای مردم جهان، گر ز غرب خبر ندارید تا پرده گشائیم از این علم که چون است نیست دگر نیازی که خر ، گُرّه بزاید دگر چه نیازیست که جوجه با پردر آید دگر چه نیازی یست کان خروس دمامم اگر توخواهی فرزندی برومند چو رستم گر بخواهی از زن خود، یک دختر رعا مطب ها دایر شود ، در آینده نزدیک بر حسب سفارش، شود سقراط یا انیشتن حیطه این علم چنان گسترده شده بعالم علم موتاسیون ، به سرحد خود رسیده بازار مکاره امروز ، شود آبستن فردا بسازند از رشته های طویل تسبیح ژنتیک دیگر کاشت کدو تنبل ، با صرفه نباشد

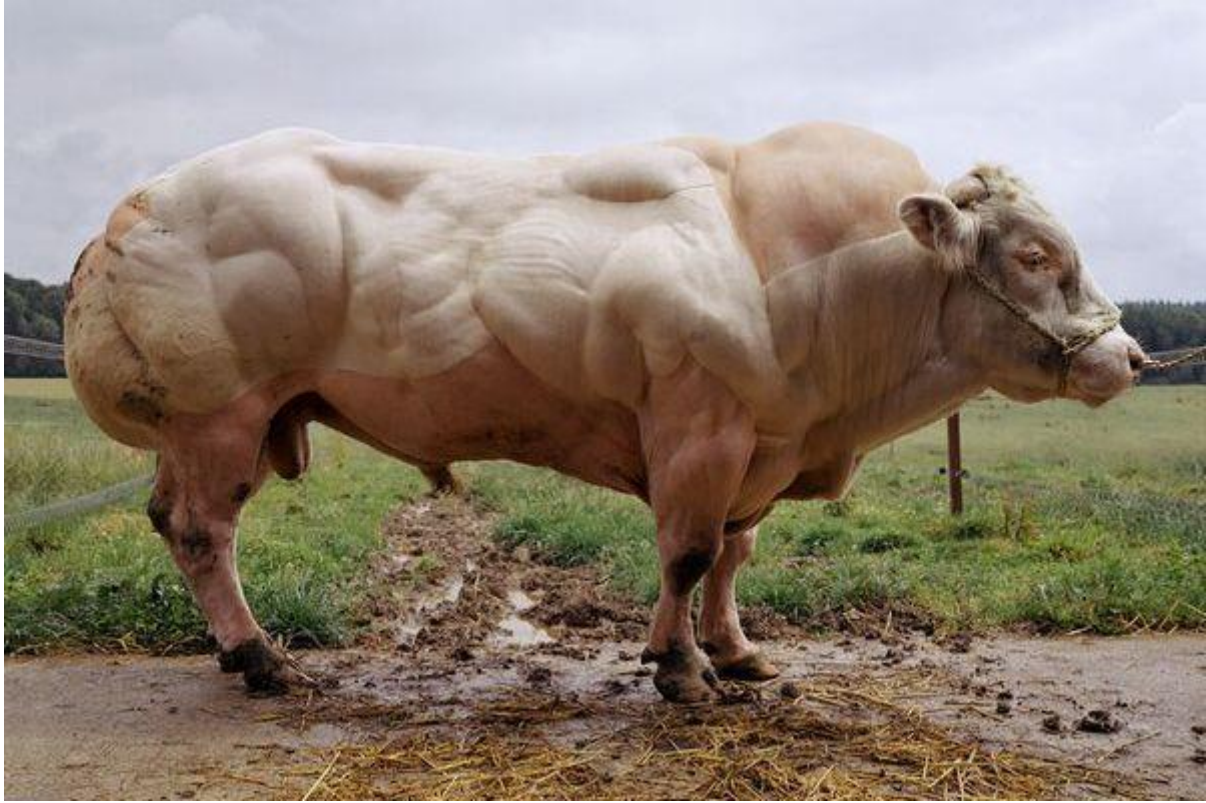
در این آفاق جهان ، همراه من سفر نمائید از مهندسی آن ، چون دامی بکمین است یا اسب پهلو کند کج ، قاطر حمال بخواهد از تخم و در پی دانه و مکررتخم بزاید دنبال کند ماده خود را ، مرغ شود خم با مهندسی ژنتیک ، در آینده شود فراهم از زن نازیبای خود، صاحب دختر زیبا از رحم خشکیده بزایند، فرزند چنان نیک از مادر گیتی ، هنوز چنین زایش نشده یکتن زین صندوق مرموز ، نوآوری شود هر دم هر موجود خلق الساعه ، از راه رسیده هر جنس مطلوب که بخواهی ، بلفور مهیا دوپینگش میکنند، بسرعت چو گاو بلژیک خیار و گوجه فرنگی و دگر معمول نباشد

کدوتنبل زایش کنند، از این صندوق جادو  
کنون که رسم کشت و کار مثل قدیم است  
دو درصد از مشاغل، مشغول زراعت  
دیگر کار سخت، با دستور ربات است  
دگر افسانه شود، قصه عدل و انصاف  
اخلاق در این علم خودبسنده، چونست  
این علم ژنتیک است که دهد حکم نهائی  
پذیرش در مدارس، با مدل ژن شناسی  
این شیوه با عدل خدا هیچ کار ندارد  
علم شرف گیرد، با کلید دارچنین علم  
محمود، این سرشت علم غرب است

به مقیاس ثن و هندوانه همچو دانه گردو  
فراوان آدمی مشغول در کشت زمین است  
با این علم، زارع بشود از مزرعه راحت  
قسمت پت خانه، منبهد جوجه کباب است  
کلید دار رباتیک دهد حکم و کند صاف  
دل هر دارنده آداب، بیشک کاسه خونست  
برای عقد ازواج، چه بخواهی، چه نخواهی  
علیمی، کریمی، سخی و شقی، هر که باشی  
جبر تمام است، اسایر علل دگر کار ندارد  
کان مجازش بکند، برای هر کافر و مسلم  
علم آنست که در آزمایشگاه غرب، دهد دست

گر کسی علم بهتری دارد به از این دست

علم کند زود، تا ایمان بشر نرود از دست



گاو آبی و ژنتیک بلژیکی

رشته طویل ژنتیکی DNA







بزرگترین کدوتنبل جهان را کریس استیونز ( Chris Stevens ) از شهر نیوریچموند آمریکا با وزن 821.22 کیلوگرم پرورش داد. کا با بیل برای نمایش در باغ گیاه شناسی نیویورک برای مسابقه میبرندف این کدوتنبل بزرگ ترین و سنگین ترین کدوتنبل جهان می باشد که از بزرگ ترین کدوتنبل سال گذشته که 782.62 کیلوگرم وزن داشت 38.55 کیلو سنگین تر است. پیرامون این کدوتنبل بزرگ 2.19 متر است.





خيار طويل



گوجه فرنگی بزرگتر از کله آدم

تصویر: شگفت انگیزترین حیوانات دو رگه

از اثر تغییر اقلیم خرس های "گریزلی" و خرس های قطبی هرچه بیشتر با هم آمیزش می کنند و نسل جدید دو رگه به نام پیژلی یا گرو لار را می سازند. اما شمار جانوران دو رگه بسیار زیاد است.



خرس پیژلی

این همان خرسی است که از جنس مختلط "گریزلی" و "قطبی" پیدا شده است. دانشمندان در این اواخر چندین بار با این نوع خرس دو رگه روبرو شده اند. در اکثر موارد مادر این خرس از نوع "قطبی" و پدر



آن "گریزلی" بوده است. نوع جدید "پیزلی" دارای پشم روشن و پا های قهوه ای رنگ است و یک حلقه تاریک به دور چشمان خود دارد. این حیوان دو رگه خود نیز می تواند تولید نسل کند.



مرغ و خورس بدون پر



بزه های تراریختی که در شیرشان پروتئین آنتی ترومبین (ضد تولید لخته خون) تولید می کنند.

تعریف دوپینگ: از ویکی پدیای آزاد  
کلمه دوپینگ از واژه بین المللی Dope گرفته شده است که هم به عنوان فعل و هم به عنوان اسم به کار می رود. فرهنگ آکسفورد این کلمه را به واژه هلندی Doop نسبت می دهد که به معنی « آیین غسل تهیدستی » می باشد. شباهت این دو واژه به علت آنست که کسانی دوپینگ می کنند که با این کار می خواهند کاستی

ها و عیوب خود را بیوشانند. بعضی معتقدند که مصرف مواد ویژه برای کسب برتری در يك مسابقه ورزشی به 2000 سال قبل از میلاد مسیح برمی گردد، یعنی زمانی که ورزشکارهای یونانی دسته ای از قارچ ها را به عنوان منبعی غنی از پروتئین مصرف می کرده اند. عده ای دیگر بر آنند که این واژه از آفریقای جنوب شرقی منشأ گرفته است، جایی که فرقه ای در آنجا نوعی نوشیدنی محلی را که به اصطلاح دوپ نامیده می شد، در رقص های مذهبی خود به عنوان محرك استفاده می کردند. بعدها این کلمه تحت عنوان dope به نوشابه ای الکلی Brandy اطلاق شد که از پوست نوعی انگور در آفریقای جنوبی تهیه می شود. در نوشته های دانشمندان یونانی نظیر جالینوس و فیلوستر اتوس نظریه هایی در خصوص رعایت اصول اخلاقی توسط رقابت کننده های بازی های المپیک باستانی به چشم می خورد. در همان زمان گلا دیاتورهای رومی را مجبور به خوردن داروهای خاصی میکرده اند، تا اینکه نبرد بین آنان سنگین تر و خونین تر ادامه یابد و تماشاگرها را بیشتر ارضاء نماید. در قرن 19، ورزشکارهای فرانسوی مخلوطی از برگهای کوکا و شراب را به نام وین ماریام می خوردند که معتقد بودند احساس خستگی و گرسنگی حاصل از تمرین های درازمدت را کاهش می دهد.

لغت دو پینگ کمتر از 100 سال است که در بین ورزشکاران مرسوم شده است. اما در سال 1865 میلادی گزارش هایی از شناگرهای کانال ها در آمستردام هلند مبنی بر استفاده مواد نیروزا وجود دارد. همچنین گزارش هایی مربوط به مصرف مواد کمکی توسط شرکت کنندگان مسابقه 6 روزه دوچرخه سواری هلند در سال 1869 میلادی وجود دارد. نخستین مورد مرگ ناشی از دوپینگ، در سال 1886 در يك مسابقه محلی دوچرخه سواری مشاهده شد که دلیل آن مصرف مواد کمکی بیش از حد ماده شیمیایی تری متیل گزارش گردید. هم زمان با آن رویدادها، مواردی از پارادوپینگ دیده شده است، که عبارتست از: خوردن يك دارو به حریف توسط يك ورزشکار جهت کاستن کارایی ورزش وی.

دوپینگ برای اولین بار در سال 1910 به طور رسمی جنبه آزمایشی و قانونی پیدا کرد. در آن زمان، طی آزمایش هایی، وجود دسته ای از مواد شیمیایی با ساختمان آکالوئیدی در بزاق يك اسب مسابقه ای ثابت شد.

### قسمت دوم : فرق واقعی و حقیقی در غرب (what is difference between reality and truth)

|                                       |  |
|---------------------------------------|--|
| هر پدیده که ظهور کرد ، گویند شده واقع | به مطلق نتوان گفت کین به حق شده واقع؟  |
| صورتی است از یک واقعه ، که لازم       | باید که کنی کشف ، آیا بر حق شده قائم ؟ |
| با چه علت و معلول ، این صحنه شده واقع | تا حقیقت که گشاید، صاحب حق شود قانع    |
| بسیار از این صحنه گرائی ها دروغ است   | دو شاب نشانت دهند هان، لیک دروغ است    |
| بسیار از این گزارش ها خالی ز حقیقت    | بسیار حق خورده شده ، از جیب های ملت    |
| حقیقت در پس پرده واقع ، نهانست نهان   | فرقت بین واقعه و حق ، بده معیار نشان   |
| چشم ببیند که این صحنه گردید پدیدار    | یا صاحب گوش شنید صدائی، از پس دیوار    |
| یا که زبان باز ، غیبت کنند از رسانه   | هر کس کند عیب ز هر کس ، بی عذرو بهانه  |
| یا شاهد مزدور که به امر زر و زور      | شهادت ناحق بدهد و حق و حقیقت شود کور   |
| صحنه های بدهند شکل با حيله و تزویر    | که سالها بگذرد ، کشف حقیقت بشود دیر    |

محمود توبس کن ، این قصه دراز است      همان ادراکات که نوشتی ،مطلب کندراست(درضمیمه)  
یا گفته آن غربی، آمده درپس این شعر      تا خواننده غربی بخواند و با ما ندهد گیر  
گر کسی علم بهتری دارد به از این دست  
علم کند زود ، تا ایمان بشر، نروداز دست

## Differences Between Truth and reality

an opinion in differ between right and real, (but not enough):

Top 10 Differences Between Truth and Reality (followed next down subject)

[Jack Nargundkar](#) in LinkedIn

Senior Marketing Executive/ProFinder Marketing Consultant

### Top 10 Differences Between Truth and Reality

May 28, 2015

The interchangeable use of “truth” for “reality” and vice versa is pretty widespread. In fact, way back on November 27, 2010 I took to Twitter to highlight what I believed was a key distinction:

There is a difference between reality and truth—the former can sometimes have shades of gray, the latter is always black and white.

A lack of knowledge of the truth does not belie its existence or confer it a nebulous status. In their personal and professional lives, ordinary people often conflate reality with truth. However, those pursuing a spiritual path and seeking the “eternal truth” are exempt from my discussion, since they tend to live in a reality that mere mortals will find hard to comprehend.

“Keeping it real,” is a phrase commonly used, especially among younger generations, who seem to favor “real” over “truth.” It’s almost like they want to avoid the truth, the whole truth and nothing but the truth... so they’d rather just keep it real without help from any higher power? But I kid the kids, only to make a point. There are indeed subtle differences between reality and truth; inasmuch that the former exists but only the latter can confirm its existence in any given circumstance.

The great scientist, Albert Einstein, had observed:

Reality is merely an illusion, albeit a very persistent one. There could be no more glaring example of the increasing dichotomy between reality and the truth, then in the proliferation of “reality shows” on television in the past

decade. These shows conflate their heavily edited versions of reality with the truth and seemingly present it as such. It's almost like these shows have gauged that their audience wittingly accepts their version of reality as the truth.

So where does reality end and the truth begin? Or, more accurately, how do we uncover the truth that is embedded in reality? Clearly the truth is always omnipresent in reality, but on occasion it just takes time to surface. It's why the father of our nation, George Washington, had intoned:

Truth will ultimately prevail where there are pains taken to bring it to light. Knowing how illusive reality can be and how challenging the search for the truth, even in a non-spiritual context, can become, let me attempt to shed some light on this dichotomy with my very own, "Top 10 Differences Between Truth and Reality:"

### **1. Truth is absolute, Reality is cognitive.**

Senator Daniel Patrick Moynihan had famously said:

Everyone is entitled to his own opinion, but not to his own facts. If we simply substitute "reality" for opinion and "truth" for facts, his words of wisdom are equally valid in our dichotomy. While different people may perceive the reality of a given situation differently, there is always one, and only one, version of the truth for that situation.

### **2. Truth hurts, Reality bites.**

The ecosystem that surrounds the truth in any given situation is the reality of that situation as perceived by its individual participants. In a business situation, the truth might be as stark as the sudden cancelation of a critical multimillion-dollar order. However, reality bites various functional groups in the company's ecosystem in different ways, even as the truth hurts the company's revenue stream.

### **3. Truth is singular, Reality is manifold.**

In our company example above, the reality of the lost order is perceived differently by the finance guy worried about cash flow, by the purchasing guy dealing with inventory, by the manufacturing guy saddled with an idle assembly line, by the sales guy not making his numbers, etc.

### **4. Truth is objective, Reality is subjective.**

The truth can be pleasant or it can be bitter. Regardless of outcome, the truth is determinative – it has finality to it. It is what it is... unlike reality, which can be interpreted in different ways by the various people it affects. The CEO of

the business, in our earlier example, might see the sudden cancelation of a big order as a sign to undertake a major overhaul of his company's operations.

**5. Truth is permanent, Reality is ephemeral.**

Again, going back to the company that suffered a sudden cancelation of a big order, once the CEO acts on the truth, the subjective reality of the company's various functional groups begins to fade.

**6. Truth emancipates, Reality constrains.**

There isn't any more complicated example of the truth setting one free than by coming clean when a spouse has had an extramarital affair... always more easily said than done. The reality of that entire situation can constrain one or more participants from voluntarily divulging the truth, which would be liberating yet very difficult to fulfill.

**7. Truth redeems, Reality informs.**

The best that reality, viewed from anyone's perspective in any given situation, can do is inform or misinform the participants within the ecosystem. Only the truth can offer redemption, whether it is the spouse getting out of a bad marriage or the CEO steering a company out of a bad situation.

**8. Truth comes from the heart; Reality follows from the head.**

Very often the truth remains suppressed because analytical and logical thinking suggests that all affected players within the ecosystem would be better off, at least in the near term, if it were so. Both, the cheating spouse and the worried CEO know that their respective realities indicate that they can be kicked down the road. But, within their hearts they know the truth – postponing the inevitable sometimes creates a snowball effect. The reality is you have to know when to listen to your heart.

**9. Truth requires courage, Reality reflects convenience.**

The cheating spouse and the worried CEO listening to their hearts might seem ironic, but facing the truth requires courage. More often than not, the convenient thing to do is the cowardly thing to do.

**10. Truth is always real; Reality is not always true.**

At the end of the day, the truth will prevail – it is the ultimate and only reality. There is no second-guessing the truth like we can do with reality. What is real to you maybe unreal to somebody else? In fact, as Einstein said, “reality is merely an illusion...” until it reveals the truth! The finality of truth can be summed up in this quotation from The Bhagavad Gita: What is not real never was and never will be. What is real always was and cannot be destroyed.

صحنه های دروغ ( به دروغ سنج لیست ورس مراجعه شود)

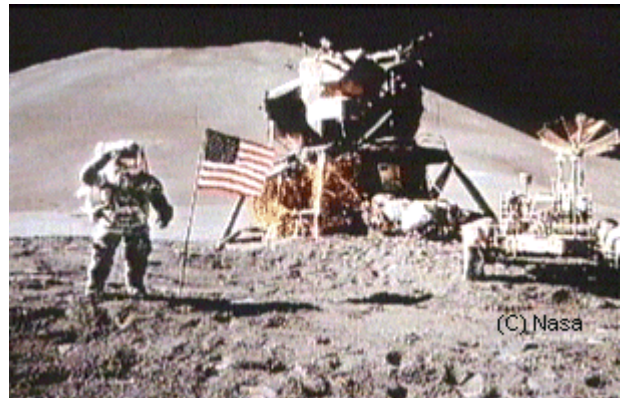


www.empireoflies.ir | جنبش مقابله با هژمونی رسانه های غرب





صحنه بازسازی قتل دانشجو







## (the west is a tremendous alchemist

گر باوَرَت نیست، با من دمی همسفر شو  
تا جهان آنطور بگردد که خواسته اوست  
باید که طلا داشت و صاحب تمام هستی  
هرمس معروف، "خدای سفر" به آسمانها  
که علم شیمی آموخت به مردم، سراسر  
مذهب گنوستی پیدا شد و اکسیر پرستی  
مخفی شد از مردم و شد آخراسرار هستی  
جادوگری ماهر، با شکلک و رمز و آداب  
بنمود به مردم و نمایش ها داده هم چین  
که هر که بیمار نباشد، خود بعمد کند بیمار  
یا دوپینگ کند پیر، کار خود کند، چاره  
فرافکنی شد، رفتار دولت و فرهنگ ملت  
سنگ معجزه و راه الماس، یا توتیای ناب  
شاه طلا و شاه الماس و یکی شاه شهنشاه  
شد ملکه شاه به دربار، شهبانوی زنان زود  
نیست قیامت، گر کسی مُرد، رفت و گنبدید  
دیگر نه ضدی ست نه تناقض، همه یکدست  
با رمل، معجزه، داروی، یا هرگونه اکسیر  
باید ساخت ابزار جنگیدن، ساحری و جادو  
در راس آنان ژوپیتِر (زائوس)، شاه خدایان  
هرمس دانای اسرار جهان؛ خدای سفرها  
ایزد بانوی، خدای عقل، یعنی همان آتنا  
شهبانوی یکی شاه، شد خدای تندرستی  
برادران زائوس، هر یک شدند امیر ارتش  
هر شاهی بشد با خدای خود ساخته، مانوس

## قسمت سوم : غرب یک کیمیا گر عجیب است)

غرب در کیمیاگری، از ماست می کشد مو  
بدنبال اکسیر جهان بوده و، همچنان است  
در چرخش دلخواه دنیا و آئین دنیا پرستی  
کیمیاگری از حکمت هر مسی، کرده پیدا  
در حقیقت هرمس نبوده، مگر ادیس پیامبر  
از بین مردم یک عده محسور اسرار فاوستی  
بدنبالش مدد از شیطان و آئین شیطان پرستی  
کیمیاگری بشد، روانشناس و مفتی اعصاب  
اسطوره خود را از شعله و بخار رنگین  
ضماد معجزه آسای خود در آورد باطوار  
تا با خوردن آن معجون، گیرد عمر دوباره  
این مدل رفتار، رفت در دستگاه حکومت  
نام گرفت از آن، هر نکته زین اعجاب  
بازار گسترده بشد باز، هر یک شدند شاه  
به اراده شاه، آن بانو که مهتر زنان بود  
شاه بود، ماه بود و داروی عمر جاوید  
روح و جسم و دگر چیز، شد عالم وحدت  
اینا همه حرف است، باید شد جهانگیر  
باید گسترش داد زیاد، این مُلک و قلمرو  
باید علم کرد به هر کار، جمهور خدایان  
نپتون یا پوزئیدون، یکه خدای دریا  
پارس پارکسون، شد، خدای جنگها  
یک بانوی دگر یعنی پلوتو یا هیسایتی  
وولکن یا مرکوری، شد، خدای آتش  
آپولون خدای روشنائی، هرا، همسر زائوس

بانوان حرم، در آغوش شهان بختند  
آن یکی دیگر، آشکم از لقاء نشد بار  
یکی صاحب فرزند، یکی بی پسر شد  
عرفانی دگر بر پرده اسرار درآویخت  
بناشد صدارباب حلقه، دوصدحقه دیگر  
باید به گسترش قلمرو، فکر جنگ شد  
بگیرند املاک دگرزین پهنه زهر سو  
زرو زور، سحر و لشگر و قدرت نیرو  
با اثبات گرایی و دگمی افکار، شده همراه  
هر جا رسیدند، آئین خود نمودند، برپا  
شرق شکوهمند، شدند خواب، شدند خواب  
یکی از تنبلی و خواب، شده نوکر ارباب  
گرباز نجیبی، عاقبت هر خفته جنون است  
وزین پر خوری و هرزگی نیک بپرهیز  
از نوع چلنجی که مصون مانده است شرق  
آنقدر پرده گشاید، تا رهی از غرب پرستی

جمهور خدایان غربی که شکل گرفتند  
یک خدا دار، صاحب فرزند ونوه دار  
داروی هر مسی، بعضاً بی اثر شد  
لذا فلسفه هر مسی با شیطان در آمیخت  
وزین آمیزگری ها و صد داعیه دیگر  
کشور بهر این همه تولید، چوتنگ شد  
که تا با نیزه و شمشیر، قدرت بازو  
غرب با این شیوه و آئین کرده است خو  
شد علت غائی هر علم حسی و نورن زا  
بدست آورده از این رسم و حیلہ گریها  
گرفتند از دنیا، هر چه بوده است ناب  
یکی از بهره دنیا، چنین گشته ارباب  
تا بدانی که عاقبت هر غفلت چون است  
از هابیسیم بپرهیز، از خواب بپرهیز  
امروز، غرب درصد چاله شده غرق  
محمود بر آنست، در این غرب شناسی

گر کسی علم بهتری دارد به از این دست

علم کند زود، تا ایمان بشرن رود از دست

خواننده محترم برای تکمیل بحث فوق به ضمائم مراجعه نماید

**جادوگر خبیث غرب یا جاوگر منفور غرب** (به انگلیسی: *The Wicked Witch of the West*) شخصیتی ساختگی و شخصیت منفی اصلی مجموعه داستان "جادوگر شهر از" نوشته ال. فرانک باوم است. این شخصیت همچنین در بقیه کتاب‌های این سری نیز وجود دارد؛ با این که در داستان اول می‌میرد. در داستان، دو ساحره خوب (جادوگرهای جنوب و شمال) و دو ساحره بد (جادوگرهای غرب و شرق) وجود دارند. شخصیت اصلی داستان دروتی، پس از این که مدتی به عنوان برده برای او کار می‌کند، با ریختن یک سطل آب بر روی او وی را می‌کشد. جادوگر غرب از آب همواره وحشت داشته و آب دشمن وی محسوب می‌شود.

معروفترین حضور این شخصیت در سینما در نسخه اقتباس شده سال ۱۹۳۹ با بازی مارگارت همیلتون است. در لیست ۱۰۰ سال... ۱۰۰ قهرمان و شرور به انتخاب بفا، وی در رتبه چهارم برترین شروران تاریخ سینما قرار گرفت.

جادوگر خبیث غرب

**The Wicked Witch of the West**

شخصیت جادوگر شهر آز



تصویر نقاشی شده توسط ویلیام والاس دنسلاو (از نسخه اصلی، ۱۹۰۰)

اولین حضور جادوگر شگفت‌انگیز آز (۱۹۰۰)

هدف از بین بردن جادوگران خوب

ساخته شده توسط ال. فرانک باوم

ایفای نقش توسط مارگارت همیلتون



### دیدگاه مسیحیت و یهودیت درباره جادوگری/ اعدام 80 جادوگر زن در یک روز



رواج جادوگری در روزگار کهن، نه فقط در میان مردان بنی اسرائیلی بلکه در میان زنانشان هم شگفت‌آور بود، به گونه‌ای که شیمعون بن شطح در یک روز ۸۰ زن جادوگر را اعدام کرد. مبارزه با جادو در میان مسیحیان نیز داستان طولانی دارد. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه [خبرگزاری فارس](#)، امروزه شیطان‌گرایی فراتر از حرکتی زودگذر، با داعیه معنویت به میدان آمده است. این مرام برخلاف تصور رایج، جذابیت‌هایی دارد که فهم و درک آن برای کسانی که تصور روشنی از آموزه‌های این آیین ندارند، بسیار دشوار است. هر چند شیطان‌گرایی جدید به تقلید از شیطان‌گرایی قرون وسطایی شکل گرفته و بسیاری

از آموزه‌های آن را در خود جای داده است، این جنبش، در نوع خود حرکت جدیدی است که باید با نگاه به ریشه‌های تاریخی- اجتماعی آن در غرب تحلیل شود. در تحلیل شیطان‌گرایی جدید، چهار محور اساسی باید مورد کاوش قرار گیرد که عبارت است از: بزرگ‌نمایی عهدین(انجیل و تورات) از شیطان، نقص و ناکارآمدی مسیحیت در غرب، دین‌ستیزی نظام سرمایه‌داری و خلأها و نواقص نظام تمدن غرب، هر کدام از این چهار بخش اگر نادیده گرفته شود، تحلیل شیطان‌گرایی مدرن ناقص خواهد بود. برای بازخوانی مفهوم شیطان‌گرایی به تورق کتاب «کاوشی در معنویت‌های نوظهور» به قلم حجت‌الاسلام حمزه شریفی دوست پرداختیم که در ادامه می‌آید:

### **\*شیطان‌گرایی معاصر**

شیطان‌گرایی معاصر با بحران‌های بعد از جنگ جهانی دوم پیوند خورده است. جنگ جهانی دوم شرایطی ناامیدکننده ایجاد کرده بود، فریاد مبارزه و اعتراض از هر کوی و برزن بلند بود، جوانان دریافتند که نظام سرمایه‌داری، جهان را به مرز نابودی و انهدام رسانده است ظلم و خفقان شدید باعث شد گروهی از جوانان عصیان کنند و اعتراض خود را با ترویج هیپی‌گری نشان دهند، بلکه بتوانند با طرح تفکری نو در حوزه اخلاق و امنیت اصلاح‌گری کنند. سرانجام جوانان به ویژه دانشجویان برخاستند و با توجه به ظرفیت موسیقی با شعار «سرانجام اصلاحی باید» جنبش متال را به وجود آوردند، شاید اولین گام در به انحراف کشاندن این حرکت اصلاحی، استفاده از این ابزار (موسیقی) بود. در دهه اول موسیقی متال، تمامی اشعار و ترانه‌های آن دارای خمیرمایه اعتراض‌آمیز بر ضد جنگ، عشرت‌طلبی و سلطه سیاسی بود. در این ترانه‌ها مبارزه با مدرنیته و سلطه تجاری موج می‌زد و بخش قابل توجهی از محتوای ترانه‌ها هم مربوط به مسائل معنوی، بیداری ضمیر انسان‌ها و ندای درون بود. اما گردانندگان و طراحان نظام سرمایه‌داری بیکار نبودند. مهار بحران برای آن‌ها بسیار حیاتی بود. سرانجام با کشاندن کنسرت‌های اعتراض به دامن شیطان‌گرایی توانستند از گمراهی توده مردم با این جنبش جلوگیری کنند و با ترویج نمادها و پوشش‌های شیطانی در پاره‌ای از کنسرت‌ها، عملاً به شناساندن این مرام به مردم کمک کنند. یقیناً خواست اولیه جوانان معترض ترویج و گسترش شیطان‌گرایی نبود. خواننده مشهور گروه انگلیسی بلک سبت یعنی «آزی آزبورن» اولین کسی بود که به این ایده واکنش نشان داد. او در سال 1976 در مصاحبه‌ای تأکید کرد:

«من و بچه‌ها هرگز دنبال تفکرات شیطانی نرفته‌ایم... من به آفریننده‌ام ایمان دارم. بلک سبت هرگز گروهی شیطان‌پرست نبوده است. من از دیدن بعضی از طرفداران مان که با لباس‌های سیاه و صورتی رنگ شده و شمعی در دست در سالن کنسرت حضور پیدا می‌کنند واقعاً می‌ترسم... واقعا ما آن‌گونه که آن‌ها فکر می‌کنند

نیستیم. ما فقط معترضیم». اما کار از کار گذشته بود. داستان پشت صحنه توانستند با نفوذ عوامل خود به کنسرت‌های موسیقی و به دنبال آن پوشش رسانه‌ای در تلویزیون و روزنامه‌ها، توجه به شیطان را در کانون توجه توده مردم قرار دهد و زمینه‌ای فراهم کنند که گروه‌های جدید هم با تحمل این هزینه و قبول برچسب شیطان‌گرایی به گروه‌های راک و متال ملحق شوند. در پی آن گروه‌های جدیدی به جای اینکه به آرمان اولیه جنبش پایبند باشند، به تخلیه انرژی اعضای خود و پرداختن به محتوای شیطانی در کنسرت‌ها سرگرم شدند. در نتیجه یکی از فراگیرترین جنبش‌های ضد سرمایه‌داری در غرب که در ابتدا با آرمان‌های انسان دوستانه شروع شد نه فقط مهار که با ایده شیطان‌گرایی تغییر ماهیت یافت. چنین دست‌کاری در ماهیت حرکت، چنان رسوایی بپا کرد که هواداران متال هم در تاریخچه آن از این لکه ننگ یاد می‌کنند:

«موسیقی متال به عنوان جنبش هنری- اجتماعی، به مانند تمام مقولات بشری، پس از گذشت مدتی کوتاه از روزهای آغازین خود بازچه دست سودجویان شد.. گویی دالانی کثیق و تودرتو که به جیب سرمایه‌داری و ابرقدرت‌های بزرگ ختم می‌شود و هیچ کس را توان راهیابی به آن نیست، مگر در جهت برآورده ساختن اهداف آنان». پادشاه جادوگر آنگمار (به انگلیسی: Witch-king of Angmar)، همچنین به عنوان ارباب نژگول‌ها و سوار سیاه نیز شناخته می‌شود، شخصیتی ضدقهرمان در رشته‌افسانه‌های تالکین سرزمین میانی در نوشته‌های جان رونالد روتل تالکین است. او در سری رمان‌های خیال‌پردازی حماسی ارباب حلقه‌ها حضور دارد که به عنوان رئیس نژگول‌ها (بندگان ارباب تاریکی سائورون) به شمار می‌رود. نام او را می‌توان در هر یک از نوشته‌های تالکین دید.

### پادشاه جادوگر آنگمار

شخصیتی از [رشته‌افسانه‌های جی.آر.آر. تالکین](#)



سوار سیاه

نام‌های دیگر ارباب نژادها، سوار سیاه

نژاد از سلحشوران و بزرگان [نومه نور](#) در

[سرزمین میانه](#)

تولد دوران دوم، دوران پادشاهی تار-آتانامیر

کتاب(ها) [ارباب حلقه‌ها](#)

سائورون

شخصیتی از [رشته‌افسانه‌های جی.آر.آر. تالکین](#)



سائورون زمان جنگ با آخرین ارتش متحد انسان‌ها و الف‌ها

نام‌های دیگر مایرون، آئاتار، نکرومنسر

نژاد [مایار](#)

تولد پیش از [موسیقی آینور](#) و خلقت آردا



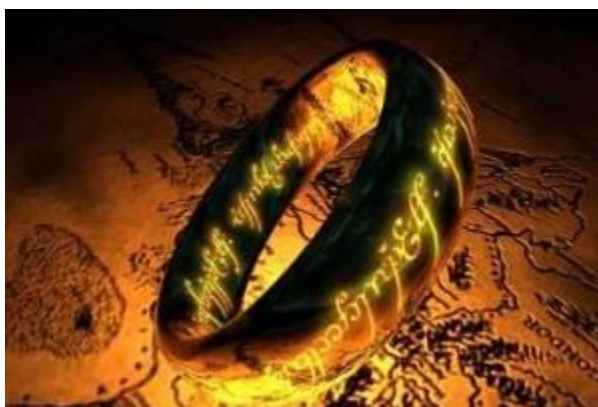
مرگ ۲۵ ژانویه - دوران سوم - سال ۳۰۱۹ )

مرگ ظاهری) - جاویدان

کتاب(ها) ارباب حلقه‌ها، سیلماریلیون، هابیت

سائورون (به انگلیسی: Sauron) شخصیتی خیالی در رشته‌افسانه تالکین است که صاحب و سازنده حلقه یگانه می‌باشد. او فرمانده ارشد مورگوت بود، وی همچنین در تمامی اعمال زیرکانه و اهریمنی مورگوت در سرزمین میانه و فراسوی آن او سهمی بزرگ و در خیانت و پلید در مرتبه بعد از مورگوت بود، زیرا او مدتی دراز نه برای خودش که برای مورگوت خدمت می‌کرد. با این وجود به سبب قدرت و مقامی که سابقاً نزد آنوله والا (ارباب سابقش) داشت و دانش عظیمی که او از آنوله و مورگوت در باب جادوگری و صناعت آموخت، او تبدیل به بزرگترین خادمان ملکور (مورگوت) شد؛ به همین خاطر هم پس از سقوط و بیرون رانده شدن مورگوت از سرزمین میانه، به یک ارباب تاریکی بدل شد و به دنبال او در گرداب تباهی و پلید فرو غلتید. سائورون دشمن اصلی مردمان آزاد در طی دوران‌های دوم و سوم بود. وی زورمندترین مایارهاست و حتی از مایارهایی که هزاران سال پس از او وارد سرزمین میانه شدند به مراتب قدرتمندتر است (از مایار های دیگر مثل گندالف و سارومان) و یکی پدیدای آزاد

فیلم ارباب حلقه ها جان نوجوانی را گرفت! (عکس)



پسر جوانی که با الگو گرفتن از فیلم ارباب حلقه‌ها، دوستش را در یک بازی به قتل رساند، توسط پلیس دستگیر و به ۱۲ سال زندان محکوم شد. به نقل از اسوشیتدپرس؛ بیرمنگام انگلستان در پی تاثیر منفی فیلم “ارباب حلقه‌ها” در یک بازی کودکانه بین دو جوان ۲۱ و ۱۹ ساله با دنی جونز ۲۱ ساله با اصابت شمشیر

هابیت تزئینی (شمشیری افسانه‌ای که در صورت قدرتمند شدن با سلاح ایمان به رنگ آبی در می‌آید) در فیلم‌ها و داستانهای تخیلی از آن یاد می‌شود، منجر به مرگ وی شد.



در نزاع و درگیری در قالب یک بازی به ظاهر مسلحانه دنی جونز ۲۱ ساله توسط ریچارد ریس ۱۹ ساله با شمشیر هابین کشته شد. در این نزاع که کاملاً اتفاقی رخ داد پس از اصابت شمشیر به شکم جونز بر روی زمین افتاد و در عین ناباوری در دستان دوست خود جان داد. این نوجوان با اتهام مرگ دوست خود زندانی شده است. جونز که هنوز مرگ دوست خود را باور ندارد در جلسه دادگاهی که در بیرمنگام تشکیل شد به ۱۲ سال حبس محکوم گردید.

#### قسمت چهارم – تکاپوهای جدید در غرب ( the new searching in the west )

این سوال، حاکی از دغدغه مردم جهان است  
اسطورگری که سرگرمی ارباب جهان بود  
امروز ماخوذ زشاپینگ، رنگ و لعاب تازه  
آنچه ما می‌نگریم از طرب و آهنگ و پیاله  
تا کس نکند آروزی بهشت و حوریان را  
غرب درس خوانده و فیلسوف امیال شناسی  
میداند که این بشر خواهان سودای بهشتند  
این ریشه هر ذلت و خواری و اجیریست  
چه قدرتی و چسان، رهبر آینده جهان است  
از کابوی گرفته تا کارخانه طلاکند، سود  
در بالانس خور و خواب زندگی، سرفرازه  
غرب در پی ساختن پردیس صاحب جماله  
یا فکرت نکند، بهر دوزخیان، ناریست برپا  
از عصر آهن و طلا، تا عصر زیست شناسی  
در پی دیدار بهشت، حاضر رفتن به کنشتند  
ما از خود گله داریم نه از غرب، که دیرست

در آفرینش صد حلقه ارباب، هنر جُست  
با این پیر خرابات، جاذب شهوت پرستان  
تا بزنی این خصم کهن، صیاد بد اندیش  
در زمین، همه جا پارک شده ز ماشین  
اتول رباتیک هوشمند، راننده خودکار  
چه نیازی که کشتی برد بار ز دریا  
خانه هوشمند و اسباب تمام رباتیک  
گر این کار هم، واسه تو شده دشوار  
استرالیا که من چندی بودم در آنجا  
بیماری با نانو، بی درد شود، مداوا  
اسباب طرب و نوش و آوای بهشتی  
در تقسیم جهان، غرب ساحری رفت  
گویند که غرب، سریع شد مدرنیست  
این ماشین، است خود زایشگر خویش  
با قانون یاسا، فرمانروا، همه جا است  
این آواز دُهل نیست که شنیدی تواز دور  
گردنیا که بدست دنیا پرستان بچرخد  
بلرزد و شود غرق، در دریای قُلُوم  
محمود، غُور کن، کماکان به سایر ابعاد

در شکار آدمیان، هزاران زده است، پُست  
تو در چننه چی داری، یا قبضه دستان  
حفظ کنی مردم و، هم رسوانکنی خویش  
در اندیشه شاهراه هوائی است بهر ماشین  
چون اسب بالدار در آسمان رود و ببرد بار  
چه نیازی که کدبانو دغدغه کند، نهار فردا  
تواز شاپینگ بخر مواد، لباس بپوش شیک  
ربات میخرد بالفور، رجعت کند با، بار  
آینه تمام نمای غرب است، آینه بکن تماشا  
موزه شود جمع، از اینترنت بکن تماشا  
بدرآی، تا ببینی جنت غربی، چه نشستی  
غرب جدید آمد و با ژن و نانو، زود کمر بست  
نوآور علوم و هم، شد ارباب حلقه زیست  
روزی رسد که تیشه زند، به ریشه خویش  
در زمین و سما، در بحروکوه و صحراست  
این نعره دوزخیان است که شنیدند از گور  
غیر از این نکنند کار، تا روزی که بلرزد  
آنگاه شکنند ساقی، کاسه مشروب، شکم خُم  
از آنچه خواندی، نگفتی، بیش یک زهره پاد

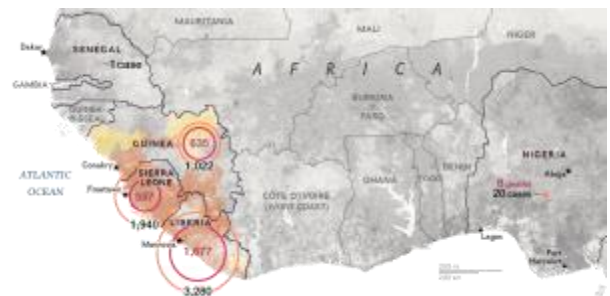
گر کسی علم بهتری دارد به از ایندست  
علم کند زود، تا ایمان بشر نرود از دست

بیست و نه سال پیش چنین روزی!

بمباران شیمیایی سردشت بمبارانی بود که نیروی هوایی عراق از ۷ تیر ۱۳۶۶ با استفاده از بمب‌های شیمیایی در چهار نقطه پر ازدحام شهر سردشت انجام شد. در این حمله ۱۱۰ نفر از ساکنان غیرنظامی شهر کشته و ۸۰۰۰ تن دیگر نیز در معرض گازهای سمی قرار گرفتند و مسموم شدند. **تصویری از**

**قربانیان بمباران شیمیایی سردشت!**





مسیر کنونی گسترش ویروس ایبولا در غرب آفریقا





بین جسان این دشمنان بر جان ما جسیده ائند- آبروی مردم مظلوم من را ریخته ائند



## عکس صحنه پردازى شده داستان يك پرچم

بر اساس عکس "پرچم را بر جسد ابروی من" اثر جوردن مایکلز، ۱۹۶۵ میلادی  
The story of a flag, 2015  
After "Raising the Flag on Iwo Jima" 1945

طرح تخریب کامل قبرستان بقیع در ۵ سال آینده + تصویر

نقشه این طرح توسعه در مکانی دور از چشم عمده زائران و روبه روی دادگستری شهر مدینه (مجمع المحاکم الشرعیه) و در خیابانی به نام ابو ایوب انصاری نصب و در ذیل آن وعده تکمیل تا ۵ سال آینده داده شده است.



تصویر شهرهای ساحلی امریکا 500 سال بعد، اگر هر سال 1.7 میلیمتر آب بالا بیاید





لیندسی لوهان بازیگر، مدل، خواننده، ترانه‌سرا، کارگردان و تهیه‌کننده آمریکایی برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری سال 2020 ایالات متحده اعلام آمادگی کرد.

### قسمت پنجم – پرواز غرب به آسمانها ( flying the west to sky's )

پروژه مارس وان

|  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| چرخیده هزارهزار بدور پدرش ، شید          | مارس، همان مریخ از منظومه خورشید      |
| تا روند آدمیان آنجا ،دائم کنند زیست      | امروز بانتظار مهمان از زمین خاکی ست   |
| آخرین سفر اوست ، دگر بازگشت ندارد        | هرکس برود مریخ ، دگراو مشق ندارد      |
| سرنوشت اوچه باشد ،در درگه دادار          | تا که نکیر و منکر با او چه بکنند کار  |
| ازلانس دروپ و سفر مارس و فضا پیما        | آنچه ما خواندیم و گرفتیم ز افهام ناسا |
| ده سال دگروند مارس، زیرگنبد دوار ( VIP ) | اولین سفر آدم های وی ، آی، پی پولدار  |
| اکنون روند مریخ، تا مارس کنند آباد       | زمین از علم و فنون غرب شده آباد       |
| لیک آنها میشوند آسوده از مزاحمت ما       | گرچه ما نشویم آسوده خاطر ز آنها       |

آنها نه پلنگی ایست ، نه پُرزمارزنگی  
نه شیر ژیانی یست، که شوی ترسان  
برق از انرژی ارزان خورشید بگیرند  
میوه دهند دایم ، از باغ گرین هوس  
نه رنجی ، نه زحمت ، هرچیز مهیا  
ربات هاهمه جا حاضر، بهر خدمت  
این آژانس، مشغول تبلیغ چنین است  
تا آنجا رَوَندو ، کمپین کنند راست  
نه اینکه فکرت بکنی، دست از ما  
نی نی، از آنجا شلیک کنند به دشمن  
آنکه ایمان دارد ، وفکرخوش اندیش  
از آن بترسیدکه ، کلید دارچنین است  
از آن بترسید که هابیست جهان است  
از آن بترسید که دشمن ابنای بشر است  
محمود ، آیا توان بُرد این بار به منزل

آسوده بخواب در آن کمپ که ملنگی  
نه بمب اتم ، که کند شهر تو ویران  
کربن خالص کزانرژی تاریک بگیرند  
از هر میوه بهر فصل ، باشد تراخوش  
نه گرمای تموز است، نه سوزش سرما  
آشپز و نوازنده ، رقاص و ازاین دست  
مراد دل آدم هوسبازروی زمین است  
بهر سلطنت عالم، مرصادهمین جاست  
کشیدند و رفتند بهر آسودگی خاطر ما  
با حمله سایبری ، آرام ، بروز روشن  
چه هر اسی دراو است ، دشمن زند نیش  
خطرناک برای ساکنان روی زمین است  
از آن بترسید که مرکز فتنه گران است  
جیب ابنای بشر خالی کند، فکر سفر است  
یا درین چالش ایام ، دشمن مانده در گِل

گر کسی علم بهتری دارد به از ایندست

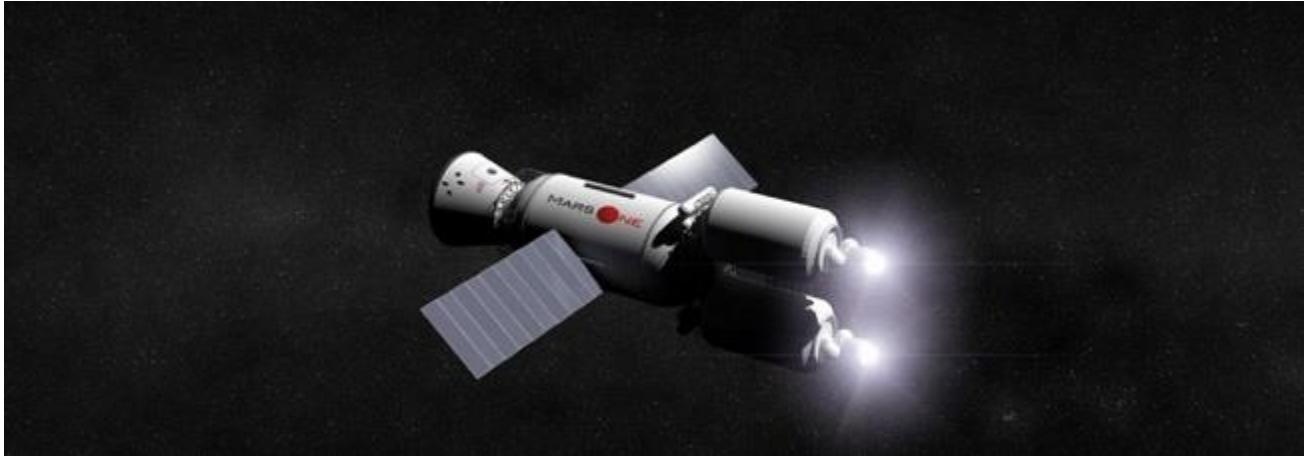
علم کند زود ، تا ایمان بشر نرود از دست



تلسکوپ فضایی هابل



اتوبوس فضائی که شمارا به مریخ میبرد ، [پروژه جذاب مارس وان - آیا حاضرید برای اسکان دائمی و بدون برگشت بر روی مریخ داوطلب شوید!؟](#)  
سال ۲۰۲۶: ارسال اولین افراد به مریخ



سال ۲۰۲۶، اجزای وسیله ترانزیت مریخ به مدار زمین پس از اعلام وضعیت چراغ سبز سیستم‌های مریخ پرتاب می‌شوند. ابتدا یک محفظه مسکونی ترانزیت و یک کپسول فرود همراه با دستیار مونتاژ به مداری دور زمین پرتاب می‌شوند. دستیار مونتاژ، کپسول فرود را به محفظه ترانزیت متصل می‌کنند. اولین تیم مریخ که از قبل آموزش دیده‌اند، به این مدار زمین پرتاب می‌شوند. در این مدار، تیم مارس وان جایگزین تیم مونتاژ می‌شوند و تیم مونتاژ با کپسولی که تیم مریخ را به مدار رسانده، به زمین برمی‌گردند. بعد از کنترل نهایی سیستم‌ها در مریخ و در وسیله ترانزیت، موتورهای پیشران روشن شده و مدار وسیله ترانزیت به مدار انتقال به مریخ رسانده می‌شود. این نقطه بدون بازگشت است. تیم مارس وان اکنون موظف به یک پرواز ۲۱۰ روزه به مریخ است. **خانه ای در مریخ**



## Green houses in the Mars



مریخ تا هزار سال دیگر قابل سکونت است...



دانشندان ناسا معتقدند که در حدود هزار سال دیگر گیاهان می توانند در مریخ رشد کنند و بنابراین سیاره سرخ ظرف هزاره آینده قابل سکونت خواهد شد. دانشمندان آژانس فضایی آمریکا در پیش بینی های خود نشان دادند که در سیاره سرخ باید یک اثر گلخانه ای از نوع اثری که در حال گرم کردن اتمسفر زمین است شکل گیرد. به این ترتیب تا هزار سال آینده مریخ به سیاره ای قابل سکونت تبدیل خواهد شد. بر اساس گزارش National Geographic آلمان، گرمایی که دی اکسید کربن را نوب می کند در دو قطب و خاک سیاره سرخ وجود دارد. برای شروع این پدیده نیاز به سقوط شهاب سنگهایی بر روی مریخ و گذاشتن آینه های بزرگی در مدار اطراف این سیاره است. به کمک این شهاب سنگها و آینه ها می توان شرایط را برای تولید

گازهای گرم کننده گلخانه ای آماده کرد. به محض رسیدن به میزان کافی دی اکسید کربن برای رساندن دما به بالای صفر درجه، بارش باران آغاز می شود و آب در سطح این سیاره جریان می یابد. به گفته این محققان، می توان از زمین باکتریها و قارچهایی را برای کشت در بیابانهای سنگی مریخ فرستاد و پس از آن نمونه های گیاهی و درختان را در سیاره سرخ کاشت. انرژی برای ساخت شهرهای ساخته شده در مریخ نیز می تواند از نیروگاههای اتمی، نیروگاههای بادی و یا راکتورهای ترکیب هسته ای تامین شود. سپس می توان بخشی از جمعیت زمین را به سیاره سرخ انتقال داد...

### قسمت ششم – ملقمه علم و جهل در غرب (the conglomerate of science and non-science in the west)

غرب چون آموخت ملقمه سازی در کیمیا علم را به ضد خود انداخت و جهل شد پدید علم نورانی را در جهل نادانی کرد اسیر گرنیاد چیزی از درستی خالی باشد از اثر هر علم در ذات خود باشد، چون گوهری گر کسی از جهل علم کرد، علمی پرخطر دامن جاعل و فاعل و مایل هر که هست عقل نی تنها، با قلب پر ایمان رای دهد عقل را با جهل، دشمنی، دیرینه است وای بر جاعل، وای بر فاعل، بر ما همه لشگر شیطان با جهلان دنیا، خوشند چون خوشان با ناخوشان کردند، مصاف عقل حسی، با اعصاب سرمست بشر چون عقل و ایمان بر ما نگیرد، سیطره از نورگیر تو جمله، انرژی های ناب گر عقل شیطننت، گاهی زرنگی میکند این خود نمائی حيله شیطان است، نیز

عادتی شد، نکرد علم و جهل از هم جدا ای بسا فرهیختگان گشتند از غرب ناامید مایه ناب گم کرد و نان مطلوب شد فطیر رنج بیهوده مکش، از این باغ نمییابی ثمر در شناخت آن است، از همان گوهر، دری کی مصون ماند، زین شرر، ابنای بشر بگیرد آتشی، ز آن آتش بسوزد هر چه هست گر جهل آید در میان، قلب بی ایمان رای دهد خیر با شر اگر گرد آید، دست به دست از شکاف لایه ازون، نمی ریزد مرحمه لشگر خوبان عاقل با شیطان، ناخوشند تو در گدرا مان نیستی، ای غرب، سرمتاب حکم کامل نیست، رافع تو از انواع شرّ جهل آید از در شیطان، پایان دهد یک سره از انرژی تاریک، بیشتر ظلمت نیاب حق را می شکند، چنین خوش رنگی میکند این رفتاری شناسی ها را باید داد تمیز

باید آموخت از زبان بازی ها چه شد  
هر زمان مردان و زنان کردند قیام  
غرب رشد کرد از اندیشمندان اهل دین  
کی گرفتگی معرفت ، از شیاد مست  
این جهان مملو از ، دروغ و فتنه ها  
صاحبان عقل و دین ، بر ما رهبرند  
از عقل و دین ، خیر و نیکی خیزد بپا  
عالم بی دین و بی خیر راه گزراه ندین  
علم بی اخلاق و ایمان ، بلای جان ماست  
علم امروز در دخمه ها خوف ، خانه کرد  
سلاح کشتار جمعی سازد ، از علم و فنون  
بیماری ما اکثر حاصل از این علم و فنون  
میشود دارو و درمان و خرج درمانگاه ها  
شهرهای آلوده گشته از اتول ها در جاده ها  
این سرنوشت نادانگرانی ، از کجاست ؟  
آنجا که سرمایه حق و حقیقت ، گم شده  
دوغ و دوشاب ، در بازار آمیخته بهم  
دیگر اعتمادی نیست ، به سیاستهای روز  
چالشی برپا شده ، از فریاد و درد ورنج  
توکجا خواهی داشت پناهی ، ای بشر  
یکی در ناسا نشسته ، گوید نیست خدا  
یکی از گردش ماه و خورشید و نجوم  
درس روانشناسی میدهند و زندگی  
او نمیبیند این همه غرش های آسمان  
از طوفانهای روان ، اطراف زمین  
این همه آشوب که دایم در ره اند

و زین هابیسم و سرگرمی های چه شد  
با اندیشه ناب و کاویدن های علمی مدام  
آباد کرد ، سرزمینهای بسیار از اهل یقین  
کی ستاندی حق ، از جمله افراد پست  
کی یکی حق شناس ، دنیدار کرده گناه  
گرنباشند این خیر اندیشان ، سایر فتنه گرد  
از جهل و فتنه گری ، شرّ بریزد از سما  
آنکه ندار دایمان بحق ، اوست فتنه روی زمین  
قدرت علم مفید ، امروز نیست در دستان شما  
فتنه گر ، از علم و فنون ، سوء استفاده کرد  
هر روز بینی ، میغلطند عده ای در بحر خون  
حاصل این بازار مکاره ، درد است و جنون  
پرتو نگاری از جسم ما ، که حاصل از شما  
آتش گرفته جنگل و صحرا ، زین دودها  
این نشان از مقدر ، از علم حسّ گراست ؟  
انسانیت ، شرم و احسان ، اسیر خُم شده  
از کرامت و گرم انسانی چنین ، گشته کم  
دیگر نتوانی تمیز داد ، راست از دروغ  
یک طرف فقر ، یک طرف انباشت گنج  
تا مصون گردی درین دنیا ، از شرر  
یکی از سرمستی ، شُل میکند ایمان ما  
از گرائش های این چرخ ، بی مرز و بوم  
تا گوینده مست گرد و سرشار از بالندگی  
از ابرشهاب سنگ های سنگین آسمان  
از سونامی های خشمگین ، در اطرافمان  
عبرت کی گیرد ، کونیست ، اهل ره نورد

علم عالم را کرده خلاصه در فیزیک  
این کسان که چند صباحی علمی بخواند  
ما نداریم علمی خود بنیاد در علم وجود  
آدم دیندار هم ندارد هیچ برگی مُجاز  
هر که آن باید بگوید که دارد علم آن  
بحث معنوی علم است، برو آنرا بخوان  
این همه چالش و نالش از افسون گریست  
محمود سالها خواند از صُخْف، علم مفید

آنکه پزشکی خوانده ، شده استاد افعال نیک  
از عدل و وجدان یک صفحه ،بایبل نخواند  
تا تو باشی شارحی آن ، هر چه بود و نبود  
ناخوانده از ابواب علوم ، در گفتن مُجاز  
در علم دیگر باید فرمان برد از دانای آن  
گر نخوانی این علوم ، دیگر افسانه مخوان  
بر این علم مخلوطِ عصر ما باید گریست  
تا افسانه نگوید از هوس، از آنچه دیدوندید

گر کسی علم بهتری دارد به از ایندست  
عَلَم کند زود ، تا ایمان بشر نرود از دست

پنجشنبه 16 آذر 1391 :: نویسنده : [صادق ابراهیمی](#)

جان هاتون در کتاب ((در جستجوی خدا)) می نویسد: ((اگر ما فقط پدیده هایی که قوانین علم به آنها نرسیده اند را به خدا نسبت دهیم یعنی هنوز معنی قوانین را نفهمیده ایم. وقتی می پرسند سبب برای چه از درخت می افتد می گویم جاذبه می اندازدش؛ نه اینطور نیست. جاذبه صرفاً یک توصیف ریاضی از نظم عجیب دنیا است)).

براستی که چه زیبا گفته است. آیا اگر ما یک قسمت از نظم دنیا را جمع بندی کنیم و برایش فرمول پیدا کنیم و رویش اسم بگذاریم باید خدا را فراموش کنیم و ساده لوحانه بگویم علم همه چیز را ثابت کرده است . انشتین می گوید: ((دو راه بیشتر ندارید، یا هیچ معجزه ای را قبول نکنید، یا همه چیز را معجزه بدانید)). امام علی (ع) می فرمایند: ((هر موجودی برهان آفریدگاری خداست، که با زبان بی زبانی آفریدگار خود را نشان می دهد)).

آیاتی قابل تامل در این باره وجود دارد: ((و چه بسیار نشانه در آسمان ها و زمین است که بر آن می گذرند در حالی که از آن روی می گردانند . و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند مگر اینکه (چیز دیگری را با او) شریک بگیرند)) یوسف / آیات 105 و 106

دکتر وین دایر در کتاب ((درمان با عرفان)) می نویسد: ((اگر یک بار و برای همیشه قانع شوید که در چهارچوب یک نظام الهی بدون عیب و نقص و کامل ، موجودی آزاد و مختار هستید دیگر دچار وسوسه



ی فکری دردناکی که بر قسمت اعظم زندگی شما سایه افکنده, نیستید)). توجه کنید منظور من از آوردن این جمله این نیست که انسان برای رفع مشکلات فکری اش خدا را وارد زندگی خود کند بلکه منظورم کمک به او برای پذیرفتن یک حقیقت است, زیرا تکرار زیاد یک حقیقت در فکر و نپذیرفتن قلبی آن باعث قساوت قلب و شاید سلب توان پذیرش همیشگی آن حقیقت می شود. یکی از بزرگترین مشکلات در این راه شک است (شک نفسانی, نه عقلانی. در توضیح باید بگویم شک نفسانی از نوع شک وسواس هاست) تا کی شک؟ من می گویم: (( اگر کسی به این نتیجه برسد که خدا وجود دارد دیگر هیچ سوال بی پاسخی ندارد حتی اگر جوابش را نداند و می داند که این ندانستن همیشگی نیست)) و همچنین می گویم: ((شک من بعد و قبل از یقین است)). [طرحی از روز قیامت](#) - شنبه 3 بهمن 1394 :: نویسنده : [صادق ابراهیمی](#)



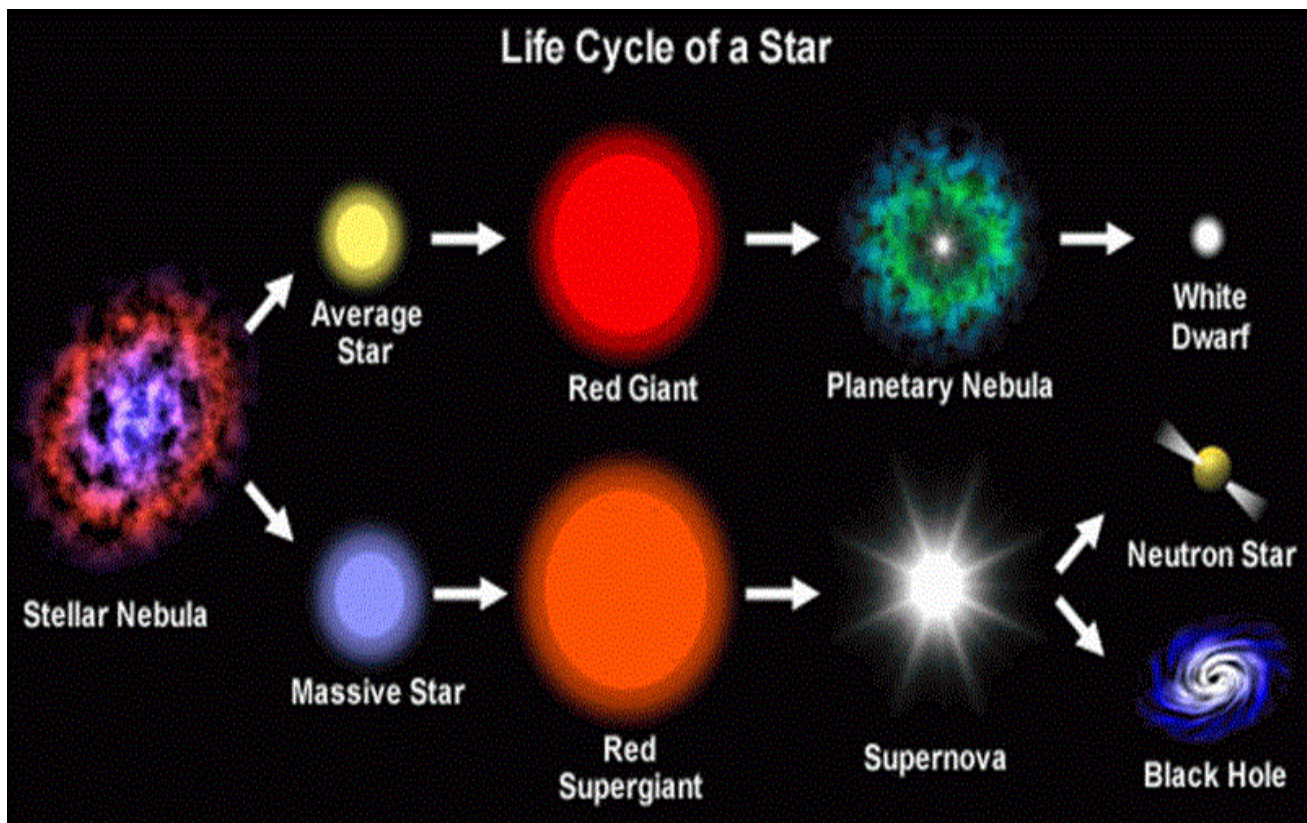
طرحی از روز قیامت

((يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ:))

روزی که دست به حمله بزرگ می زنیم؛ ما انتقام گیرنده ایم)) دخان، ۱۶

(توضیحات بیشتر در متن پایین) ↓↓↓↓↓↓

((يَوْمَ نَبُطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ: روزی که دست به حمله بزرگ بزنیم؛ ما از مجرمان انتقام گیرنده ایم)) دخان، 16. آیه و طرح فوق مربوط به توصیفات روز قیامت است. شاید اینکه دقیقاً چه پدیده‌هایی در پایان تاریخ اتفاق خواهد افتاد را نتوان دانست ولی با کمک آیه‌ای دیگر می‌توان فهمید که در آیه 16 سوره دخان، آن قدرت بلامنازع درباره انتقام از چه کسانی صحبت می‌کند: ((و چه کسی ستمکارتر است از کسی که به آیات پروردگارش تذکر داده شود و آنگاه از آن روی برگرداند؟ همانا ما از مجرمان انتقام گیرنده ایم)) سجده، 22. جرم یعنی تجاوز به یکی از این سه حق: حق الله (حق خدا)، حق الناس (حق مردم)، حق النفس (حق خود) اعجاز علمی قرآن (آغاز خلقت)- پنجشنبه 1 بهمن 1394 :: نویسنده: صادق ابراهیمی



**یکی از اعجاز‌های علمی قرآن کریم:**

**((ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ: سپس به آسمان**

**پرداخت در حالی که دود و بخاری بود)) فصلت، ۱۱**

**(توضیحات بیشتر در متن ذیل) ↓↓↓↓↓↓↓↓**

طبق محاسبات، مشاهدات و تحقیقات دانشمندان علم نجوم و فیزیک، جهان در ابتدای خلقت فاقد توده های متراکمی مانند ستارگان و سیارات بوده و بجای این اجرام، مملو از گازها و غبارهایی بوده که امروزه به اسم سحابی ها می شناسیم و هنوز هم باقیمانده ی سحابی ها قابل مشاهده و عکس برداری توسط تلسکوپ ها است (می توانید به این صفحه از سایت ناسا مراجعه کنید می بینیم که این نظریه با کلام الهی در قرآن کریم مطابقت دارد که می فرماید: ((سپس خداوند) به آسمان پرداخت درحالی که دود و بخاری بود)) فصلت، 11--با دیدن اینگونه جلوه های عظمت در قرآن جا دارد که از خودمان بپرسیم: ((بگو اگر [قرآن] از نزد خدا [آمده] باشد و آن را انکار کرده باشید چه کسی گمراهتر از آن کس خواهد بود که در لجبازی دور و درازی قرار دارد؟)) فصلت، 52-عکسی دلخراش از سوریه-سه شنبه 29 دی 1394 :: نویسنده : صادق ابراهیمی



((اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ:

خدایا، من از تو معذرت می خواهم بابت مظلومی که در حضور

من به او ظلم شد و من کمکش نکردم))

صحیفه سجادیه، دعای ۳۸

کسانی که می گویند ما چه کار به سوریه و عراق و یمن داریم آیا این فرمان پروردگار را نخوانده اند: ((و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن که تعدی می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید. و عدالت کنید که خدا عدالت پیشگان را دوست دارد)) حجرات، 9. اگر کسی با دیدن این عکس بی تفاوت نشست خودش را حتی ایرانی هم نداند که سعدی شاعر بزرگ ایرانی سرود: ((گنه بود مرد ستمگاره را \*\*\* چه تاوان زن و طفل بیچاره را!؟)) ((مبخشای بر هر کجا ظالمی است \*\*\* که رحمت بر او جور بر عالمی است /- جفا پیشگان را بده سر بباد \*\*\* ستم بر ستم پیشه عدل است و داد)) بوستان سعدی. عکس آثار کشتی نوح (ع) و آیه قرآن مرتبط با آن- پنجشنبه 24 دی 1394 :: نویسنده : صادق ابراهیمی



آثار باقی مانده از به زمین نشستن کشتی حضرت نوح (ع) در کشور ترکیه و در نزدیکی کوهی که محلی ها به آن کودی می گویند و در قرآن به اسم کوه جودی آمده است. (اعلام رسمی کشف این مکان در سال ۱۹۸۷ اتفاق افتاد)

((وَقِيلَ يَا أَرْضُ اتْلِي قَاءَكَ يَا سَمَاءُ اتْلِي وَغِيضَ النَّعَاءِ وَفِيضَ الْأَرْضِ وَاسْتَوْتِ عَلَى الْجُودِيِّ: و گفته شد ای زمین آبت را بیلغ، و ای آسمان، (از باریدن) خودداری کن. و آب پایین آمد و کار انجام شد و (کشتی) بر جودی قرار گرفت.)) هود، ۴۴  
(به زودی نشانه‌های خود را در آفاق و در خودشان به ایشان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که آن (قرآن) حق است)) فصلت، ۵۳

## ناسا وجود بیگانگان را تلویحا تایید کرد

شاید در سال‌های گذشته افراد بسیاری سعی داشتند تا وجود موجودات فرازمینی را اثبات کنند، اما چون ناسا هیچ وقت آن را تأیید و حمایت نکرده است، این افراد کمتر توانسته‌اند تلاش خود را به نتیجه برسانند. اما به تازگی یکی از مقامات ارشد ناسا پرده از این راز چندین ساله برداشته و وجود موجودات فرازمینی را رسماً تایید کرده است. محقق ارشد ناسا به نام آلن استفن می‌گوید:

در طی دهه‌ی آینده مطمئناً شواهد قوی در مورد وجود حیات فرازمینی بدست خواهیم آورد. شواهد قطعی و فیزیکی نیز در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده کشف خواهند شد. ما به یافتن پاسخ سوآلی که هزاران سال است ذهن مردم را به خود مشغول کرده است، بسیار نزدیک شده‌ایم. آن‌چه که از سخنان استفن می‌توان برداشت کرد این است که دولت آمریکا به دلایلی نامعلوم وجود این موجودات را تا به امروز علنی نکرده است و علاوه بر این گفته‌های استفن، مرگ مشکوک ویلیام کوپر که قصد داشت هدف ناسارا فاش کند

## مکان اصلی دوزخ پیدا شد . عجیب ترین یافته علمی ناسا

در جستجوی بهشت ، ناسا اعلام کرد که جهنم را پیدا کرده ایم ناسا همیشه به دنبال یافتن سیاره‌ای است که انسان بتواند در آن به حیات خود ادامه دهد. اما در پی یافتن «بهشت» در نهایت ناسا «جهنم» را یافت. به گفته دانشمندان، ناسا سیاره‌ای خارج از منظومه شمسی یافته است که در منظومه فلکی سرطان واقع است. این سیاره در سال ۲۰۰۴ کشف شد و به دلیل ترکیبی که داشت ملقب به سیاره مرموز شد. به دنبال پیشرفت علم در سال ۲۰۱۱ امکان تجزیه تحلیل ترکیبات این سیاره فراهم شد. به گفته ناسا اتمسفر این سیاره از سیانید هیدروژن تشکیل شده است. همان گازی که در آمریکا برای اعدام مجرمان و در اردوگاه‌های نازی برای قتل عام استفاده میشد. این سیاره نه تنها مناسب انسان نیست بلکه سبب مرگ می‌شود. از سوی دیگر در آن رودهایی از گدازه در جریان است که از اکسید کربن و مونوکسید کربن تشکیل شده است.

## موجودات فضایی در آخر الزمان

تمامی موجودات ماورائی مورد اعتقاد فرقه های ضاله، ماسون ها، صهیونیست ها، کابالیست های هالیوود و مانند آنها بر سر یک حرف با هم توافق دارند و آن هم پایان دنیا در سال 2012 میلادی است که در این سال، کره زمین بکلی تغییر خواهد کرد و میلیاردها انسان کشته خواهند شد.

این موجودات به همراه بسیاری از همکاران خود، پروژه ای را ایجاد کرده اند به نام پروژه صعود به بُعد چهارم و پنجم ( Ascension) و هزاران کتاب در این باره در غرب چاپ شده است. کانال های رادیویی بسیاری هم پیام های این موجودات را به مردم می رسانند و بویژه رادیو بی بی سی برنامه های متنوعی در

این باره پخش می کند که محور آنها بر این موارد است که خدا متعدد است! خدا پسران و دختران زیادی دارد که یکی از آنها عیسی است! محمد – حضرت محمد(ص) - آخرین پیامبر نیست! همه ما پیامبران خدا هستیم که برای شما پیام نور و محبت و دوستی آورده ایم! تناسخ ارواح اصل دین است! تمام مردم ارواحی هستند که پیش از این روی سیارات دیگری زندگی کرده اند! کتاب قرآن هیچ دستوری برای تکامل روحی به کسی نمی دهد و برای همین است که الوهیم آمده تا مردم را راهنمایی کند! اگر مردم به الوهیم متوسل شوند و مدیتهشن و دستورات را رعایت کنند خیلی زود به قدرت های خارق العاده دست می یابند! بهشت و جهنمی وجود ندارد و اینها همه دروغ است! اگر مردم به رانیل ببیوندند عمر جاودان پیدا می یابند و مرگ به سراغ آنها نخواهد آمد! هر که به رانیل ایمان بیاورد در زمان نابودی زمین در سال 2012 سفینه ها و بشقاب پرنده های الوهیم او را نجات خواهند داد در حالی که دیگران را رها می کند تا بمیرند!

برای القا بیشتر طرز تفکرشان با استفاده از انواع نویسندگان و انواع رسانه ها از جمله تلویزیون ، روزنامه و کتب مختلف و با استفاده از انتخاب هدفمند برخی موضوعات و در کنار آن با کمک برخی افراد در ایجاد ارتباط بین موضوعات مطرح شده تمام تلاش خود را کردند تا طرز تفکرشان را به جهانیان القا کنند. این القا طرز تفکر با انواع روش ها صورت پذیرفت و هم اکنون نیز در حال انجام است ، مطرح کردن ایده ی خدایان فرازمینی ، مطرح کردن ایده ی نوعی نژاد فرا هوشمند کهکشانی ، انتخاب تاریخ نگاری و باستان شناسی هدفمند ، ایجاد سایت ها و کتب به ظاهر مخالف ایده های آنها و سعی در ایجاد نوعی ناهماهنگی میان اطلاعات دیروز و امروز برای ایجاد توهم میان افراد و باوراندن نوعی خاص از هوش در کنار انسان برای پیشبرد اهداف خودشان قابل تامل است!

قابل توجه شما دوستان عزیز به نظر شما وقتی با ریشه یابی بسیاری از موضوعات از جمله موجودات فرازمینی ، یوفو ها و مکان های باستان شناسی به کار گرفته شده و انتخابی آنها برای تحمیل عقاید خود به شما به گروه های مخفی میرسیم نباید تجدید نظری در مطالبی که به ما خورنده میشود داشته باشیم؟!

قابل ذکر است که با نگاهی به اطرافمان و هم کلامی با جوانان و افرادی که با مباحثی همچون یوفولوژی و تاریخ مرموز فرازمینی ها سرو کار دارند این دیدگاه دیده میشود که کنترل افکار به خوبی صورت گرفته تا باور نژادی فرا انسانی در کنار ما قابل دفاع باشد. بسیاری از دوستان که با چنین موضوعاتی سر و کار دارند به راحتی خام بسیاری از مطالبی میشوند که از یک سری سایت ها ، کتاب ها و شوهای تلویزیونی مهندسی شده و هدفمند وارد میشوند . تبادل نظر با چنین افرادی که “کنترل ذهن” به خوبی روی آنها

صورت گرفته بسیار سخت است چون آنها حاضر نیستند تا مطالبی خلاف مواردی که به آنها تزریق شده را قبول کنند ، حتی حاضر نیستند اندکی روی مباحث فکر کنند .

در ادامه بحث قابل ذکر است که همچنین ۱۹۴۷، سال بیانیه بالفور روتشیلد بود و همه یهودیان اشکنازی (AzkeNAZI) وارد فلسطین شدند.

(توضیحی در مورد بیانیه بالفور *Balfour Declaration*)

اعلامیه بالفور که در تاریخ تشکیل نخستین دولت یهودی جهان اهمیت ویژه‌ای دارد، عبارت است از نامه بالفور وزیر خارجه انگلیس در جنگ اول جهانی به عنوان لرد «روتشیلد» (Lord Rothschild) رئیس فدراسیون صهیونیست انگستان که ضمن آن وزیر خارجه انگلیس موافقت دولت انگلستان را با «تأسیس میهنی برای یهودیان در فلسطین» اعلام کرده است.

به دنبال ارسال این نامه به لرد روتشیلد در تاریخ دوم نوامبر سال ۱۹۱۷ مهاجرت یهودیان به فلسطین تحت برنامه منظمی آغاز شد. در فاصله بین جنگ اول و دوم جهانی تعداد یهودیان ساکن فلسطین از هفتاد هزار نفر به ۴۵۰۰۰۰ نفر رسید و سرانجام در سال ۱۹۴۸ به تشکیل دولت اسرائیل انجامید.

منبع: فرهنگ جامع علوم سیاسی، محمود طلوعی)



Oannes priest on an Assyrian cylinder seal showing the origin of the bishop's mitre as a fish head!

### قسمت هفتم – باورهای قطعی غرب (determinate believers in the west)

|  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| تا دگر معذور نباشد در دوستی، آنکه باخت | می توان غربی را با این باورها شناخت |
| یعنی علّیت ، کوره ایست خاموش و سرد     | درک غربی ، درک حسی – ابطالی بُود    |
| او دگر کاری ندارد، چی بود ، چی نبود    | با علت وجد و علت غائی ذات وجود      |
| آگاه نیست از بصیرتهای دیگر، وجدان ما   | چشم می بیند و کله میفهمد، این نگاه  |
| مغز میفهمد این مردمیبر دلذت یا شرح درد | دیگر احساس با سلسله اعصاب مرد       |
| باید صد کتاب خوانی، بفهمی، شرح همه     | گر توخواهی درک کنی این ملقمه        |



گر دمی اعصاب درد ترا آرامت کنند  
این سبو باشد ، دواى هردرد غرب  
رقص و آواز و ، سرگر می های دیگر  
لذت حداکثری را دارند جمله غربیان  
در نزد غربیان ، عقل یعنی که مغز  
مغز و سلسله اعصاب و سیستم گیرندهها  
این عقل غربی ، عقلی است حداکثری  
صم ، بکم ، عمی ، فهم لا یرجعون  
دگر عقل الهی ، عقل کلی ، عقل معنوی  
یعنی آنجا خدا فرمود ، اکثرهم لایعقلون  
بلکه آن عقل که جان عاشق کرده مراد  
باعدل ، فقر از خانه مردم بیرون کند  
سیاه و سفید و زرد و سرخ از یک تنند  
این همه جنگ و جدال از آن تو است  
ای غرب ، رهاکن این مغز بیمقدار را  
وین خدائی که ذاتش ، پرستشگاه ماست  
این عکس مو هومی که ناسا گفته خدا  
عقل حسی ، یک نوع عقل شیطانی بُود  
کاخ نشینی و عیش و نوش چون مرهمی  
هر چه پیش بینی میکند ، آینده محتوم را  
این چرا هست مبتنی ، بر آینه آرای نرون  
اعداد و فیگر هست از آمار های فلس  
تئوری فازی آمده از لطفی ، کاری کند  
هی رگرسیون می گیرند از ایام عدم  
بر اساس این سبق رسام ، گرافها زتن  
غده های سخت ، حاصل جوش و خروش

لذتی حاصل ، مهم نیست چی درکامت کنند  
چون سبو باشد ، شراب و لقمه های چرب  
خنده هائی پرصدا از مستی ، صادر از چگر  
گر تو نداری این سبق ، نگرَد ، اطرافشان  
هر چه بیرون داد از این کاسه ، بوده نغز  
یعنی اینها ، جمله ساخت عقل است بهر ما  
دیگر از عقول معرفت ، دیگر نباشد ، دانائری  
دیگر خواه تو معرفت ، از این دارالفنون  
زین مغز افراطیان ، معنای دیگر مجوی  
نه اینکه بی مغزند ، بی اعصاب و خون  
تمام ملت های عالم با آن گردند خرسند و شاد  
نی سرزمین ها را ، او غرقه در خون کند  
نه که داعشی سازی ، کز بدنها ، سر میکنند  
این همه کشتار جمعی ، از فرمان تو است  
با عقل معنوی نیک خواهان گویند ، مرحبا  
مردنیست ، پسر نیست ، نه امثال ماست  
العیاذ بالله ، باید فردا جواب دهد نزد خدا  
چو با هوس جمع گردد ، رفتار حیوانی بُود  
کله غرب آرامش دهد ، زین اعصاب دمی  
برای او عدم گردید ، هی ، می جوید چرا ؟  
چون فهم محدود است ، زین اعصاب درون  
زین بروندادها ، کاشف حقیقت باشد چه کس ؟  
مرحبا زین ایرانی با هوش ، افتتاح رازی کند  
بر آینده غالب می کنند ، نه بیش و نه کم  
گرافیست مُرسل آنست ، بهر غده شناسی بدن  
از چک برگشته و سیگار و درآگ دار و فروش

از نخوابیدن و بیداری شبهای باده نوش  
از آمارهای غلط و جنگ بازار مکارگران  
از واردات بی حساب و مواد سمی های آن  
از بیمه های بی حساب و از داروهای گران  
از تفاوت های فقیر و ثروتمندان بس غنی  
از هزاران حيله که غرب با چنین فناوری  
گر مجنون باشد و ببیند ، این دنیای جنون  
دره های انتحار که پر گشتند در جهان  
تو میگوئی قیامت نیست، هم نیست خدا  
هر که حقی خورد و رویش لیوانی شراب  
نی نی ، این دنیا دارد ترازوی و حساب  
از هراس و وحشت امروز و روز جزا  
من این هراسگرایی را، نوشتم جای دگر  
غربی را با دنیا پرستی و پول سازی شناس  
غربی فقیر و مجنون و سرخورده مست  
چون خدا فرمود ، قلیل من عبادی الشکور  
اینها بهر آنند که در شبهای سرد زمهریر  
آنجا که یک پروانه بالی زند در باغ چین  
ناله انسانهای گرسنه و بی خانمان دارند اثر  
ای غربی برو جمع کن اموال آورده زیاد  
سرگرمی و لهو و لعب ، لالای غربی است  
این هابیگری در جای دگر ، نیز نظم یافت  
بسیار ارزشها در غرب بی تفسیر مانده است  
آمیزش زن و مرد ، عشرتگرایی نیست گناه  
لیبرالسیم بیحد ، در محفل آنان غوغا میکند  
دم زدن از مستی ، خواب و خورد و خوراک

غصه های برخاسته از ستم های کم فروش  
که از مدیریت غربی آمده ، سوغات بهرمان  
از داروهای مضر و پرداخت های بس گران  
از حقوق های ناچیز و بیکاری و فقر بیکران  
بهر آبروی خود ، سیلی به صورت می زنی  
بیچاره کرده مردم ، کسی پیدا شود ، کند افشاگری  
از صد لیلی میشود بیزار ، میکند خود واژگون  
این ستم ها دیوانه سازد ، میکند دره پرتابشان  
می خورند و می چایند ، این قوم بی شرم و حیا  
بعد از آن بشاشد بر تمام ارزش ها ، بی محاب  
هم جاهل زندیق هراسان است ، زین حساب  
می خورد مشروب تا فراموش کند این ماجرا  
گر فرصتی کردی ، بخوان آنرا کان دارد ، اثر  
گرافرنگی نداشت زین نشان ، نیست سرشناس  
فرمان هراسمندان نبرده ، العجب او هر که هست  
از یک مشت مرد وزن غربی فقیر ، آید چه زور  
قصه رنج و حرمان خود گویند با خداوند بصیر  
یک سونامی برپا شود و صاف کند کاخ ظالمین  
ای عجب ، از زمین لرزه و غرش دریا در سحر  
که با غرش رعدی ، بارها رفته و دادی به باد  
رقص مرد وزن و پاپ بیکلام ، آوای غربی است  
لذا این نظم از بیان این هرزه گری ها شد معاف  
آمار حقیقی ، ارزش دین ، جرم گناهکاران مست  
دنیا جای لذت است ، انسان می کنند ، کی دارد بقا  
لخت و عور هر چه بیشتر ، دختر رعنا می کند  
یک پرستیژ است ، همراه می و جوجه کباب

گر ندادی تو این مدل زندگی ، تو، اُمّلی  
چه گویم زین دست ، از بیشرمی های او  
که او مانسیم کرده در همان مخ، شد بیان  
این فرهنگ که شیطان پرستان طالبند  
از مسیر رسانه های مولتی مدیای غربیا  
این تهاجم بدترین نوع تهاجم بود بهر ما  
ملتی گرشد اسیر سودای فرهنگ اجنبی  
این تهاجم، از ملت هاجهان هستی میبرد  
این سبق رسم بود در کیمیاگر های غرب  
تا آنجا که ترا ، دلباخته خود می کند  
تا کله چرخ داده ای، سرزمین دادی بباد  
غرب سخت و بی باکست در نشراقتدار  
هر چیزی که دارد باید گردد پرروف  
سادگی باشد که غربی آرد سرمایه اش  
نی نی! مواظب باش تو، اندر معاملات  
این درستی و آنستی، شعار گول زنت  
اقتضای بی دینی، آئین آرای اوست  
ناسیونالسیت است بر رژیم خود معتمد  
این شرطی است بین ملت وکشورش  
گر من و تو که از دین و آئین دم میزنیم  
این همه فاکتور ها میدهد دست به دست  
غرب در بطلان استوار است، استوار  
غرب پر قدرت در آئین خود مطلق است  
غرب در ذهن خود ، امروز بالنده است  
این خود محور ، با چنین باور های دور  
این آئین وقانون حقایق جهانی است بدان

گر نرقصی با دختران نوجوان ، خیلی شُلی  
اسم این رفتار پست و فرسایشی، فرهنگ او  
آن شده مایه زندگی و عقل پنداری غربیان  
دنیا پرستان برایش ، بوق و گونا می زنند  
دین ملت ها داد برباد و حک شد بر افکار ما  
برد شرم و، رنگ برداشت از آن آئین ما  
هر چه داری تسلیم کن ، تا شود از تو غنی  
هستی ملت ها با هنرمندی و تردستی میبرد  
درس خود خوب داند ، میبرد از توبا طرب  
سرزمین اجدادیت را ، سرمایه خود میکند  
گر خواستی سرزمینت را ، سر دادی بباد  
این رفتار امپراطور های اسبق مانده یادگار  
بازار پرروف و، کمپانی پرروف و سرمایه پرروف  
آباد گرداند کشورت، با توشریک کند مایه اش  
بیزینس خوب داند ، میبرد هم سیخ و هم کباب  
میبرد آنجا که اعربی آنجا ، ماهر نی زنت  
کن حذر از بی دین ، چپاول و بردن کار اوست  
بر دولت وقانون و فرهنگ خویش ساعی وجد  
این چنین در بطلان هستند استوار و قیصرش  
باید دوستار وطن باشیم ، لیک آوای ماتم میزنیم  
تا وطن آباد گردد و سبزه گردد صحرای ودشت  
تو ایرانی ، در غرب ماموری هستی ، بی اختیار  
تو که دین محکمی داری، چنین غربی پرست  
روزگاری میرسد ، کو در فعل خود بازنده است  
میرود قدرتش از دست، فرو ماند از سُرور  
هیچ قدرتی ، با تمام قدرتش ، نماند در زمان

آنکه ماند راستی است ، ادای حق و رسم دین با انکار هیچ نادان ، این بنیان نمیافتد زمین محمود، خواهدگفت ،هراسی های غرب مست تو در غربی ، بیّا ، نخوری ضربِ شست  
گر کسی علم بهتری دارد به از این دست  
عَلَمٌ كُنْد زود ، تا ایمان بشرنرود از دست

## نوشته‌ها برچسب خورده با: آخرین عکس های ناسا

### تصویر تلسکوپ هابل از خدا

نوشته شده در 04/01/2013 به دست [keyumars123](http://keyumars123)

تلسکوپ هابل در آخرین تصاویر ارسالی خود محققان ناسا را با شگفتی روبرو کرد این تلسکوپ که برای کشف اعماق فضا ساخته و همراه ماهواره‌ها به اطراف کره زمین فرستاده شده ، بطور ناگهانی تصویری از خدا را شکار کرده و به زمین ارسال کرد



این تصویر شامل تمامی مشخصاتیست که در قرآن نقید برای خدا ذکر شده است . لذا ناسا اعلام کرد: گوه به قبر پدر و مادر هر کسی که با دیدن این عکس به اسلام ایمان نیاورد شایان ذکر است که بخش عظیمی از کارکنان ناسا با دیدن این عکس به سجده افتادند و با گفتن شهادتین اسلام آوردند

گروه قلبی از کارمندان ناسا که هنوز بر کفر خود پافشاری میکردند ، با دستور چارلز بولدن ، مدیر ناسا ، سر از بدنشان جدا شد

### حماسه انتحار چهل دختران در ارزگان

زمانیکه مقاومت عادلانه مردم ارزگان در برابر لشکر منظم 120 هزاره دولتی و 40 هزار ملیشه های قومی که متشکل از مردم جنوب و جنوب شرقی کشورما بودند به شکست مواجه شد و لشکریان قومی داوطلب جنوبی و مشرقی و نظامی امیر عبدالرحمن به ارزگان یورش بردند . سپاهیان دولتی همراه با لشکر ایله جاری قومی اطفال را در مقابل چشمان والدین شان بر سره نیزه برمی داشتند ، به اسارت زنان و کشتار مردان شروع کردند ، زنان اسیر را سینه بریدند و تن های مرده و نیمه زخمی آنان را به دریای ارزگان می انداختند که به هر طرف خون و آتش جولان داشتند . در یک مورد 47 دختر و زن هزاره در برابر لشکر مهاجم تسلیم نشدند و به مقاومت پرداختند . وقتیکه این زنان صحنه محاصره را به خود تنگ دیدند و از اینکه به اسارت نروند و به عفت شان تجاوز صورت نگیرند و کشته نشوند به کوه های « ششپر » گریختند . لشکر امیر نیز به تعقیب آنان به کوه ها هجوم بردند و زنان تا آخرین قلعه کوه خود ها را رساندند که برای دستگیری شان چیزی نمانده بود . بالاخره ناگزیر این 47 دختر و زن ارزگانی خودها را از بالا ترین قلعه کوه ششپر به پائین سنگ لاج ها و دره ها پرتاب نمودند که با این گونه « حماسه انتحاری » خود سنگ ها را نیز خونین و داغدار نمودند ولی خودها را اسیر ارتش مهاجم و دمنش امیر نساختند . از همین سبب است که این کوه ششپر بعد از این بنام « کوه چهل دختران » مسما گردید و به این مناسبت شعر حماسی هم سروده شده است .

در عصر امیر عبدالرحمن هر کس و یا هر بخشی از مردم چه پشتون و چه غیر پشتون که مخالف دولت امیر و انگلیس می بودند ، از سوی نظامیان دولتی دستگیر و به دربار امیر در کابل فرستاده می شدند که احتمال زنده ماندن آنها هرگز نمی رفت . وقتی که زنان اسیر را از ارزگان به اسارت گرفته به طرف کابل به قتلگاه می بردند ، منجمه 400 زن ارزگانی هم بناء بر همین ترس امیر خود ها را به دریا انداختند و چنین « انتحار » را نسبت به کشتن و اسارت ترجیح می دادند و با همین شیوه هم رسم « آزادی » از قید اسارت را برای سایر زنان و جامعه خویش به میراث گذاشتند .



### چهل دختران

این اثر را که شما مشاهده می کنید بیانگر همان ظلم و استبداد امیر عبدالرحمن جابر می باشد. قرار گفته خود هنر مند (حسن علی هاتف) این تابلو یک طرح مقدماتی (حماسه انتحار چهل دختران در ارزگان) می باشد. البته تابلوی دگر که زیر کار است خیلی بزرگ خواهد بود.

منیر کوشانی-Short URL: <http://www.turkicpress.com/fa/?p=164>



**کشتار و کوچ اجباری مردم هزاره  
و تبعیض علیه آنان بس است!**

فهرست مکان‌های خودکشی

از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

در زیر فهرستی از مکان‌های مورد علاقه خودکش‌ها برای انجام خودکشی، که عموماً نیز به شکل پرش از ارتفاع صورت می‌گیرد، آورده می‌شود. در برخی از این مکان‌ها نرده ضد خودکشی نصب شده است. از آنجا که اعلام آمار دقیق خودکشی صورت گرفته در مکان‌های مختلف، ممکن است سبب ترغیب خودکش‌ها به رفتن به این مکان‌ها گردد، لذا ارائه آمار دقیق قدری دشوار می‌نماید.



پل رودخانه نانجینگ ینگزته

- پل گلدن گیت، سانفرانسیسکو، کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا. بیش از ۱۵۰۰ خودکشی.



پل گلدن گیت

- پل پرنس ادوارد، تورنتو، اونتاریو، کانادا. ۴۹۲ خودکشی پیش از ساختن نرده ضد خودکشی. این پل به جانب خودکشی (*suicide magnet*) مشهور است.



پل پرنس ادوارد

- [جنگل آوکیگهارا، کوه فوجی، ژاپن](#). با بیش از ۷۸ خودکشی در سال، این محل دومین مکان در دنیا از نظر میزان خودکشی‌های انجام شده در آن شناخته شده است.



جنگل آوکیگهارا

#### آفریقا

- [پل ون استاندز، کیپ شرقی، آفریقای جنوبی](#). ۸۸ خودکشی از ابتدای ساخت در ۱۹۷۱.
- [آسمان خراش پونت سیتی](#)

#### آسیا

- [برج میلاد، تهران، ایران](#). تا کنون ۳ مورد خودکشی موفق از فراز برج میلاد در اخبار اعلام شده است.<sup>[۱]</sup>
- [متروی تهران، تهران، ایران](#). به گفته مسوولین به طور متوسط هر ماه یک خودکشی موفق در مترو تهران اتفاق می‌افتد.<sup>[۲]</sup>



- کوه میهارا، ژاین. کیوکو ماتسومتو پس از آنکه در سال ۱۹۳۳ خود را به دره این کوه پرت کرد، سبب افزایش خودکشی تقلیدی شد و صدها خودکش خود را به این ناحیه رسانیدند تا آنکه در سال ۱۹۳۶ رفتن به آنجا ممنوع اعلام شد.
- ایستگاه شین-کویوا، ژاین.
- توجینبو، ژاین.
- اویکیگهارا، ژاین.
- رودخانه ووان ینگسته، ووان، چین. ۲۴/۷ خودکشی در سال.
- صخره پیجنز، بیروت، لبنان.
- بدوک رزرویر، سنگاپور.
- بلاویستا ویلا، هنگ کنگ.
- سویساد پوینت، کودایکانال، هند.

## اروپا

- یل ارسکین، ارسکین، اسکاتلند. نزدیک به ۱۵ مورد در سال.
- یل بسفر، استانبول، ترکیه. بیش از ۱۰۰ اقدام به خودکشی در سال.
- متروی لندن، لندن، انگلیس. ۱۰۰ تا ۱۵۰ مورد در سال.
- بیچی هد، ساسکس شرقی، انگلیس. بیش از ۲۰ مورد در سال.
- یل هامر، کینگستن هال، انگلیس. از زمان ساختش در ۱۹۸۱ تا کنون بیش از ۲۰۰ مورد اقدام به خودکشی صورت گرفته که تنها ۵ تن زنده ماندند.
- یل دوک شارلت بزرگ، لوکزامبورگ. بیش از ۱۰۰ مورد از ۱۹۶۶ تا کنون. پس از ساخت نرده ضد خودکشی در ۱۹۹۳ از پرش افراد خودکش بر روی خانه‌های زیر پل جلوگیری به عمل آمد.
- صخره‌های موهر، ایرلند. ۴ مورد در سال ۲۰۰۸.
- صخره توریسالو، استونی.
- یل اسپاروهف، وانا، بلغارستان.
- صخره بنینوو، کرواسی.
- صخره پرکستولن، نروژ. دور بودن و در ارتفاع بودن این صخره مانع زیاد شدن رقم خودکشی در آن شده اما هستند تعداد کمی که برای این کار بدان سئود می‌کنند.

## آمریکای شمالی

- یل کرونادو، کالیفورنیا، ایالات متحده آمریکا. بیش از ۲۰۰ مورد از ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۰ و موارد دیگر پس از آن.
- یل جورج واشنگتن بین نیوجرسی و نیویورک. با متوسط ۱۰ مورد در هر سال که بیش‌ترین آن در ۲۰۱۲ و ۱۸ مورد

## اقیانوسیه

- صخره گی، نیو ساوت ولز، سیدنی، استرالیا. تقریباً ۵۰ خودکشی در هر سال.
- یل وست گیت، ملبورن، استرالیا. تقریباً یک مورد خودکشی در هر سه هفته.

- **پل گرفتون، آوکلند، زلاند نو.** در سال ۱۹۹۶ **نرده ضد خودکشی** از روی این پل برداشته و سپس در سال ۲۰۰۳ دوباره نصب شد.

### آمریکای جنوبی

بیادوکتو گارسیا کادنا، بوکارامانگا، کلمبیا

پل شاه ادواردو بینا، لیما، پرو. به دلیل نرخ خودکشی بالا در این پل، آن را با پنجره‌های مسطحی پوشاندند. خیابانی که از زیر این پل می‌گذرد را "خیابان ارواح" نامیده‌اند.



## هلنیسم دروغ بزرگ استعمار و غرب

### پیش گفتار

هلنیسم یکی از مهمترین ترفند های **تاریخ نویسی استعماری** است، هلنیسم واقعی را باید شناخت تا این ابزار را از دست استعمار و امپریالیسم خارج نمود، البته باید بدانیم آنها ترفند های دیگری در پیش خواهند گرفت، باز هم باید بیشتر هوشیار بود، و در این قرن تخصصی و تخصصی تر رفتار کرد.



تصویر ارابه طلائی چهار اسب سلطنتی هخامنشی، عکس شماره 4631.

## با جدیت از شکوه تاریخ ایران دفاع کنید

### آغاز داستان دروغ

نفوذ استعمار و امپریالیسم در همه زمینه های اجتماعی و فرهنگی، و جنبه های مختلف آنها می باشد، در سیاست ها و برنامه ریزی های داخلی و خارجی کشور های عقب افتاده یا تحت نفوذشان، آشکار و پنهان با انواع ترفند ها، راست و دروغ، در امور اجرایی و اجتماعی و تاریخی دخالت می کنند. مکتب ها، فلسفه ها، دینها و خیلی چیز های الکی ساخته و پرداختند، تا خود را برتر و ملت های دیگر را ناچیز بشمارند، باید از تاریخ خود با تمام وجود دفاع کنیم و آنرا از چنگال دشمنان خارج کنیم.

از ابتدای قرن 19 استعمار گران که با قهر و کشتار و دروغ تقریباً به تمام جهان استیلاء یافته بودند، و به دنبال شجره نامه و ساختن برتری نژادی برای خود بودند. در یکی، دو قرن قبل از آن خیلی تلاش کردند **روم** را بعنوان مظهر فرهنگ و دولت و علم، و پایه ای برای سابقه خودشان معرفی نمایند، ولی در ایتالیا و تاریخ روم جز چند خرابه و چیزهایی که چندان برد این کار نمی خورد، موجود نبود. بنا بر این **هلنیسم** را ساختند و پرداختند، تا بدین ترتیب برتری نژادی خود را ثابت کنند، دروغ هلنیسم یونانی را شاخ و برگ دادن و بزرگ و مهم کردن است. در زیر زمین های مساجد استانبول پایتخت حکومت عثمانی، که قبلاً کلیسا های روم شرقی بوده، ورق پاره هایی یافتند، که در دولت عثمانی برای آنها ارزشی قائل نبودند، و کسی نبود تا بتواند آنها را خوب بخواند، با خود به لندن و پاریس و برلین بردند، و ترجمه کرده و کلی جعل و سفسطه و داستان به آنها دادند، و بعنوان تاریخ و ماجرا های قدیمی قرار دادند. این ورق پاره ها در زمان خودشان نوشته های دروغی بودند، که در روم شرقی برای ایجاد حقانیت کلیسا و کنیسه و ساختن کشور تقلبی در آناتولی و غرب ایران بزرگ و خاور میانه استفاده کرده بودند.

عزیزان اینقدر ساده نباشید و دروغها را با سادگی باور نکنید، بروید دنبال حقایق بگردید. اجازه ندهید از دروغ هلنیسم یونانی برای کوبیدن دیگر جهان بویژه ایران بزرگ استفاده کنند. چرا آنها **اشکانیسم** نساختند، آیا تاکنون پرسیده اید اولین ورق پاره های دروغ های تاریخ در کجا و چگونه بوده است؟ انوش راوید دیگر نمی گذارد دروغ ها را بخورد ملت ها بدهند، امید است شما نیز در این کار مهم همراه شوید.

### [کلیک کنید: سلوکیان اهل سلوک](#)



تصویری از دیوار یک کلیسا در اروپا، از این نمونه تصویر های کالسکه چهار اسبه با ابر های نور در کلیسا های اروپا زیاد دیده می شوند، عکس شماره 4632.

**هلن دارنده برکت خورشید**

غریبها بویژه اروپائیان بمنظور ایجاد فرهنگ و تمدن برتر برای اروپا، ترفند هایی پیشه کردند، منجمله دروغ گفتن و جعل در تاریخ، یکی از اینها مصادره هلنیسم بنام کشور یونان است، ولی چون سواد و ریشه ندارند، نتوانستند این دروغ و جعل را بگونه ای جا اندازند، که همه اغفال شوند و باور کنند، فقط توانستند کم هوشها را گول بزنند. یکی از بزرگترین دروغ های تاریخ جهان هلنیسم یونانی نام دارد. هلنیسم نام فرهنگی است، که آن را به یونانیان نسبت می دهند، و گسترش آن را بدست الکساندر مقدونی و سلوکیان می گویند. دروغ گویان گفته اند: در قدیم کشور یونان هلاس نام داشت، و یونانیان از قوم هلن بودند. در صورتی که این موضوع اصلاً درست نیست، در قدیم به یونانیان هلن نمی گفتند، در اشعار هومر صحبت از قوم آخایی و بعد دوریان است. هلن نام مکتب دینی از دین های اولیه بود، و به مردمانی گفته می شد، که این دین را داشتند، مانند مسلمان یا مسیحی، و غیره....

هلن = هل + ن = نام دخترانه، الهه آورنده برکت خورشید.

هل = هل هندی، دانه مقدس، دانه چشم زخم و غیره.

ن = نان، خیر و برکت.

هلن = هلیس، هلاس، هلاز، هلسین، هرسین.

هرسین = معبد خورشید هلن.



Crime in the west





### «خوراندن سم به جای دارو»

facebook.com ۴۰ کلیک

همان‌طور که ممکن است یک انسان به دلیل تصویر ذهنی (self-image) نادرستی که از خود و جهان پیرامون خود دارد دچار وسوسه «خودکشی» بشود یا بعضاً دست به چنین اقدامی بزند، شهروندان یک کشور - یا بخشی قابل ملاحظه‌ای از آن‌ها - نیز می‌توانند به دلیل تصویر غلطی که از هویت جمعی خود دارند دست به «وطن‌کشی» بزنند. متخصصان روان‌شناسی قادرند با بررسی مولفه‌هایی مانند جنس افکار، عادت‌های ذهنی، زاویه نگاه، میزان انگیزه و جمله‌بندی‌ها و عبارات و کلیدواژه‌های مورد استفاده، یک فرد از تمایل او به «خودکشی» آگاه شوند. سپس با استفاده از شیوه‌های درمانی او را قدم به قدم از زندان‌های تاریک ذهنی‌اش آزاد کنند، تصویر او را از خودش و جهان پیرامونش ترمیم و بازسازی کنند و احساس خودباوری و شور زندگی و میل به سازندگی را در او احیا کنند. بر همین روال؛ می‌توان با بررسی برخی رفتارها و عادت‌های جمعی تمایلات یک جامعه به «وطن‌کشی» را تشخیص داد. شاید اگر جامعه ایران مبتلا به یک «بیماری» مشخص باشد - که به طور گسترده در لایه‌های مختلف آن تاثیر گذاشته - همین وسوسه «وطن‌کشی» است. کافی است که در شبکه‌های اجتماعی دوری بزنیم تا با تصویر غلط و به غایت زشتی که بخش قابل توجهی از ایرانیان از هویت جمعی خود دارند مواجه شویم: تصویر ملتی دروغ‌گو، متقلب، خشن، خرافاتی، عقب‌مانده، عقده‌ای، نژادپرست، بی‌فرهنگ، زن‌ستیز، کودک‌آزار و مبتلا به جنون جنسی که قرن‌هاست هیچ خیری به بشریت نرسانده و همواره در توهم شکوه از بین رفته‌ی گذشته خود

غوطه‌پوش است. از سوی دیگر در همین نگاه «خارجی» جایی است که تمام آموزش بر اساس عقلانیت و انسانیت محض نشان می‌دهد. «خارجی‌ها» مردمی هستند «پیش‌رفته» متفکر منضبط وقت‌شناس مسئولیت‌پذیر صادق بی‌ریا با فرهنگ اهل مطالعه ساده‌زیست بی‌عُده که همواره مراقب‌اند تا حقوق هیچ انسان یا حیوان یا درختی را زیر پا نگذارند و هرگز از چارچوب‌های اخلاق و انسانیت عدول نکنند. داشتن چنین تصویر تاریک و زشتی از هویت جمعی خود از یک سو و مبهوت و شیدا بودن در برابر یک تصویر آرمانی - و به همان اندازه غلط - از غرب از سوی دیگر بخشی از جامعه ایران را در انزجار مدام از ایرانی بودن خود و حسرت «غربی» نبودن شکنجه می‌دهد و به خود ویران‌گری و وطن‌گشی می‌کشاند. طبیعتاً هر اخبار ناگورای از قتل و تجاوز و اسیدپاشی و کودک‌آزاری از داخل ایران و هر گزارشی از اکتشافات علمی و کمپین‌های انسان‌دوستانه و حتی نجات بچه‌گربه‌ای از بالای درختی در غرب بر این دوگانه ذهنی و تصویر ساختگی آن‌ها صحنه می‌گذارد و این حالت را در آن‌ها تشدید می‌کند. طبیعتاً در این‌جا وظیفه متخصصان علوم انسانی و روان‌شناسان اجتماعی این است - یا باید این باشد - که جامعه را نسبت به این معضل و عواقب مخرب آن آگاه کنند تصویر واقعی‌تر و منصفانه‌تری از جامعه ایران و جهان ارائه بدهند روش نقد علمی کارشناسانه مسائل را به جامعه بیاموزند.

#### جایزه بامزه نوبل حماقت یا ایگنوبل چیست؟

خیلی پیچیده نیست، فقط کافی است تا به بررسی علمی غرغز کردن در بردارید تا تبدیل به یک کاندیدای مهم برای بردن جایزه ایگنوبل شوید. البته تحقیقتان باید کاملاً براساس روش‌های علمی باشد و با دلایل منطقی درباره هر موضوعی حرف بزنید. هر چیز پیش پا افتاده و بی‌اهمیتی می‌تواند موضوع یک تحقیق علمی باشد. هر اندازه تحقیقتان بی‌ارزش‌تر باشد، شانس‌تان برای بردن این جایزه بیشتر می‌شود. اصلاً کلمه ایگنوبل یعنی بی‌ارزش و پیش پا افتاده. هرچند هم‌آوایی با خود کلمه نوبل هم در انتخاب این اسم بی‌تأثیر نبوده است. حالا با هم تعدادی از این جوایز را بررسی می‌کنیم. هیات داورانی که از دانشمندان هاروارد، نویسندگان مطبوعات و البته یک عابر پیاده (که تصادفی انتخاب می‌شود) تشکیل می‌شود، برندگان ایگنوبل را انتخاب می‌کنند.

نان کره ای فیزیک ۱۹۹۶





فکر می‌کنید اگر نان از دستتان بیفتد با کدام سمت به زمین سقوط می‌کند؟ احتمالا جوابتان این است که دو سمت نان فرقی نمی‌کند اما اگر روی آن کره بمالید آن وقت موضوع مهم می‌شود. رابرت متیو از دانشگاه اسون نشان داد که نان معمولا با سمت کره‌اش روی زمین می‌افتد! این پژوهش تاثیرگذار یک ایگنوبل را برای او در پی داشت.

**شکستن قولنج کلم بروکلی پزشکی ۲۰۰۹**



«آیا شکستن قولنج انگشتان دست باعث آرتروز یا لرزش دست در میانسالی می‌شود؟»؛ این سوالی بود که دونالد آنگر با پاسخ دادن به آن توانست یک ایگنوبل برای خودش به ارمغان بیاورد. او که دارای تحصیلات دانشگاهی است، علاوه بر به‌دست آوردن ایگنوبل توانست به مادرش ثابت کند که شکستن قولنج هیچ تاثیری روی انگشتان دستش نداشته است چون او فقط قولنج انگشتان دست چپش را شکسته اما به آرتروز مبتلا نشده است. آنگر در جدیدترین تحقیقاتش قصد دارد بفهمد آیا لازم بوده در بچگی‌اش این همه کلم بروکلی بخورد یا نه!

**چیپس با سس اضافه علوم تغذیه ۲۰۰۸**



سال ۲۰۰۸، سال انگلیسی‌ها بود چون آنها توانستند دو ایگنوبل را به‌دست آورند. چارلز اسپنس از دانشگاه آکسفورد توانست ثابت کند چیپس‌های مانده هم خوشمزه هستند. او در مقاله‌ای تحقیقی توانست معلوم کند که

چیپس‌های مانده اگر با صدای قرچ، قروچ زیاد خورده شوند، خوشمزه‌تر می‌شوند. این یکی از ایگنوبل‌های آنها بود.

### جون مادرت خلاف نکن! ادبیات ۲۰۰۹

جوایز همیشه به اشخاص داده نمی‌شوند بعضی وقت‌ها موسسات یا ادارات مختلف موفق می‌شوند آن را به دست بیاورند. درست مثل سرویس پلیس ایرلند که موفق شد ایگنوبل ادبیات را برای نوشتن ۵۰ نامه جریمه برای یک راننده به‌دست بیاورد. اما جالب اینجاست که نام این آقای متخلف «پراوو جازدی» است که در زبان لهستانی معنای گواهی‌نامه می‌دهد.

### شما اسمت چی بود؟ دامپزشکی ۲۰۰۹

کاترین داگلاس و پیتر راولینسون از دانشگاه نیوکسل در کمال مسرت ثابت کردند که گاوهای اسم‌دار بیشتر از گاوهای بدون اسم، شیر می‌دهند. آنها تحقیقتشان را با عنوان «کاوشی در مشاهدات مدیران فروش در مورد ارتباط انسان و دام درون مراکز دامپروری با افزایش تولید» در نشریه آنتروزوس منتشر کرده‌اند که برای آنها یک ایگنوبل به همراه داشت.

### شمشیر نخورید بهداشت ۲۰۰۷



اگر هوس کردید هر از چند گاهی به تقلید از مجریان سیرک یک شمشیر قورت بدهید، دست نگه دارید. «دان مهیر» و «برایان ویت کمب» کشف کردند که بلعیدن شمشیر ممکن است باعث سوراخ شدن مری و بسیاری از آسیب های دیگر شود (!) چون کسی تا قبل از این کشف از موضوع مطلع نبود، آنها یک ایگ نوبل را بالای سر بردند.

### سقوط نارگیل پزشکی ۲۰۰۱

زمانی سقوط سیب، نیوتن را به بزرگترین کشف علمی تاریخ (شاید) رهنمون کرد. اما حالا پیتر براس از دانشگاه مک گیل روی اثرات ناشی از سقوط نارگیل تحقیق کرده و برای این پژوهش تاثیرگذارش شایسته دریافت یک ایگ نوبل شد.

### همه با هم : بنگ! صلح ۲۰۰۰

همه فکر می کنند جوایز صلح را فعالان حقوق بشر می گیرند اما این طور نیست. در سال ۲۰۰۰ فرماندهی نیروی دریایی انگلستان دستور داد «در مانورهای دریایی، شلیک توپ از کشتی های جنگی ممنوع است. به جای آن ملوانان یکصدا فریاد بزنند بنگ» و برای این دستور ایگ نوبل صلح را برد.

### رازهای بطری نوشابه صلح ۲۰۰۹

به نظر شما یک بطری خالی برای شکستن سر بهتر است یا بطری پر؟ اصلا سوال ساده ای نیست چون اشتفان بولیگر، استیفن راس، لارس اوسترهلوگ، مایکل تالی و بیت نیوبونل از دانشگاه برن در سوئیس با جواب دادن به این سوال توانستند ایگ نوبل صلح را برای خودشان بخرند. آنها در مقاله ای با عنوان «آیا بطری های خالی و پر نوشابه محکم ترند و آیا آستانه شکست آنها برای شکستن جمجمه انسان کافی است؟» که در مجله پزشکی قانونی به چاپ رسید، نشان می دهند بطری های خالی بیشتر آسیب می زنند.

### قسمت هشتم – نگرانی و هراس غربیها (worry and horror of westerns)

|   |                                   |
|---|-----------------------------------|
| ظاهری خندان، لیک از درون پژمرده است       | غرب هراس دارد از آنچه کرده است    |
| حال از مقدر، گریبانگیر او شده میلیون مدعا | غرب داند بر بنی آدم کرده بس ظلمها |
| بایدش در راستای این تقدیر، پرداخت خونبها  | حافظ داعیان ، تقدیر کرده براو بلا |
| مجرم خوب داند ، از آنچه کرده واقف است     | هان ، خائف از کرده خویش، خائف است |
| چون بر نعمت های خدا ، نا کرده سپاس        | اینک نوبت غرب که افتد در هراس     |
| بر بسیاری از نعم مردم ناعم بوده و بال     | بلکه کرده او بر نعمت ها بس زوال   |

هر کس خوب داند، کیست در ذات خود  
بهر دیگران ، دُگم و توجیه گراست  
اوداد به دیو شهوت، عنان عقل خود  
چو از دادگاه عدل الهی، میگردد خبر  
شیپور این طبیعت بیدار، در هر شامگاه  
همه گنه کردی ، هم طلبکار از همه  
فکر کردی ، حيله خوران عالم جاهلند  
فرقت بین ظالم و مظلوم از ترس جان  
اوساخته ابزار کشتار جمعی بهر کودکان  
او ساخته ادیان قلبی بر ضد دین خدا  
مدعی شد ، دیگر انسان ها وحشی اند  
یا که گفتند که حیوانند ، این خلق خدا  
مردم صد دیار کردند بیرون از دیار  
ناموس ها دزدیدند از ناموس بشر  
هر چه بر سر ملت های دنیا ، کردند روا  
این ز روبرق ها که بما دادند نشان  
لیک آنقدر سلطه دارند بر فقر زمان  
به چشم خود دیدم ، شتابان در نوکری  
از مردمی کو عاشق لخت اندام غریبند  
آفرین بر آن مردمی که کردند ایستادگی  
یا با تحقیق و تولید و تلاش و پشت کار  
این سکه دوروی دارد، ای هوشیار  
این سرمایه که توداری ز دوست  
این فرنگی رخنه کرد در فرهنگمان  
اینک در فهم حقیقت و دوری از سراب  
آنکه در کوزه دارد این آب حیات

آگاه وجدانی بر کردار پاک و ناپاک خود  
برای سمع اندرز دیگران ، گوشش گر است  
یا انشاء کرده باجهل خود، بجای عقل خود  
یا بیداری ملت ها ، شده برایش در دسر  
میگوید، آماده ساز، کفاره ها ، بهر گناه  
خود را جانب حق جلوه داری، بر همه  
نی ، آنان دادگاه عدل الهی را ، حاملند  
آن یکی از جزا ترسد، و آندگر، از فقد نان  
حال وحشت کرده از کودکان داعشگران  
از ادیان قلبی، علم شد پرچم های سیاه  
حق توحش گرفته، از مردمی کوناشی اند (ضمیمه است)  
قانون تلمود نوشتند، در خواری خلق خدا (ضمیمه است)  
سرگردان کردند در بیابانهای پر زخار  
حال ناموس خود بر باد داده ، گشته شر  
حال بر سرشان آمده ، هزار شکر خدا  
صد هراس در پس آن دارند، در نهان  
که برده فکر نجات از سر این درماندگان  
در قبال این سلطه گران، هر دم سری  
عاشق آن کوله پستی و مستیهای غریبند  
شرف خویش نکردند فدای چنین افتادگی  
پیش افتادند از سطله گران ، با اقتدار  
آنطرف زنگ خطر، اینطرف شو یار غار  
ارزشی و الاست ، هر جایی نکوست  
یاد داد دلالی و اسراف چون غریبان  
هی می نویسند و می خوانند ، آیات ناب  
راهی غرب است، مست شده رفته بخواب

ما تامین میکنیم، ارزان مواد خام او  
غربی، رویکردهای نو کرده نیاز  
کلیسا در اصلاح امور دارد شتاب  
در اصلاح امور، کرسیها برپا شده  
شرح این بساط، در علوم و در فنون  
نکته جالب در این جا اینست و بس  
گراین کرسی ها نیست، در شهر ما  
این بازار داغ است در دنیای غرب  
دیروز غرب بود، زایشگاه اضطراب  
هر روز نیرنگی تازه، برپا میکند  
قصه آفتابه مسجد شاه دارد بسر  
ساده لوحیست، کسی اندیشد که غرب  
غرب اینک در کابوسی شد دچار  
از غرب پرستی کم گردد روی زمین  
این تابو، که اینک ایزاری بدست  
غرب در کلاس جهانی نقش باخته  
تغییر حاکی از حق کشیها یک طرف  
دین سازی، داعش سازی و ترور  
اینها و صد ملقمه، انواع تغییر ساز  
حال با قدرت سایبری، افزونش میکند  
پیچیده تر سازد هر روز این تغییر را  
هر روز ناسا خبر میدهد از راه دور  
زمین گرمی و تابش انوار سوزان شید  
زمین زین تغییرات میسوزد در عذاب  
تابوی، جازو، کابوی افتاده به خاک  
سونامی و، زلزله و زمین در ریزشند

از سوئی دگر، بازار مکاره بهر کام او  
باب بسته علم را برای شنیدن، کرده باز  
خواندن ادیان در دانشکده ها گردیده باب  
لایه پنهان علم غرب، پراز غوغا شده  
خودبه گزارش دیگر نیاز است، نی کنون  
هر چه ما میکنیم، او تقلید مینماید سپس  
یا ضعیف است، خریدار چنین اندیشه ها  
میترسم از این باب هم، بمانیم پشت درب  
زین بابت، در انتقال آن بما، کرده شتاب  
گه تحریم، گه حصر، آشوبی برپا میکند  
این آفتابه بر ندارد، آن آفتابه دیگر ببر  
کنار آید با اندیشه های ناب ضد غرب  
چون شده تابوئی در افکار و دل‌های بیشمار  
هر روز بیش گردد، فروغ انوار دین  
ناخودآگاه راهنمای مردمان گردیده است  
چون تارک انصاف و با استکبار ساخته  
بی بند و باری بی حد و اسراف و طرب  
دزد مال است و داد میزند، های دزد ز دور  
این دویا نمیداند، خود بوده آهنگ ساز  
با خصومت تغییر را دگرگونش میکند  
در پای خود سفت تر، این زنجیر را  
اکسیژن کم شد، در بحور و اقصای دور  
رودخشکی، و زطوفان لرزان کاخ یزید  
غربی از ترس، پناه برده به گیلان شراب  
هالیوود هی میسازد فیلم های ترسناک  
آتش فشان، چالش و رانش، در خیزشند

ترس فردی، ترس جمعی و ترسهای دگر  
چنین برهمزدن، اسمش آتش بازی است  
خارج گشته اوضاع از کنترل واز مدار  
ای دوست از خانه شبها، بیرون مشو  
یادم آمد از قرن بیست ویکم، قرن زندگی  
قرن زیستی و بیولوژی های علم غرب  
رویکردهای خود به جدّ انسانی بکن  
ورنه غرب می دزدد چون منشورحلال  
مارکش می کند و میدهد به خوردمان  
یک روز می نگارم، دزدی های غرب  
آنچه تغییر یافته و هست بر ما آشنا  
این ناآشنایان، از تقدیر عالم نبیند جز خیال  
صدای آشنا، صدای قلبِ دوستان ما  
رشته دوستی باید بین ملت های دوست  
محمود بس کن، میازار بیش اینغرب را  
گر کسی علم بهتری دارد به از این دست  
علم کند زود، تا ایمان بشرنروداز دست

## Widespread loss of ocean oxygen by 2030s

These scientists said that, as our warming climate saps the ocean of oxygen, marine life like fish, crabs, squid, and sea stars could be left struggling to breathe



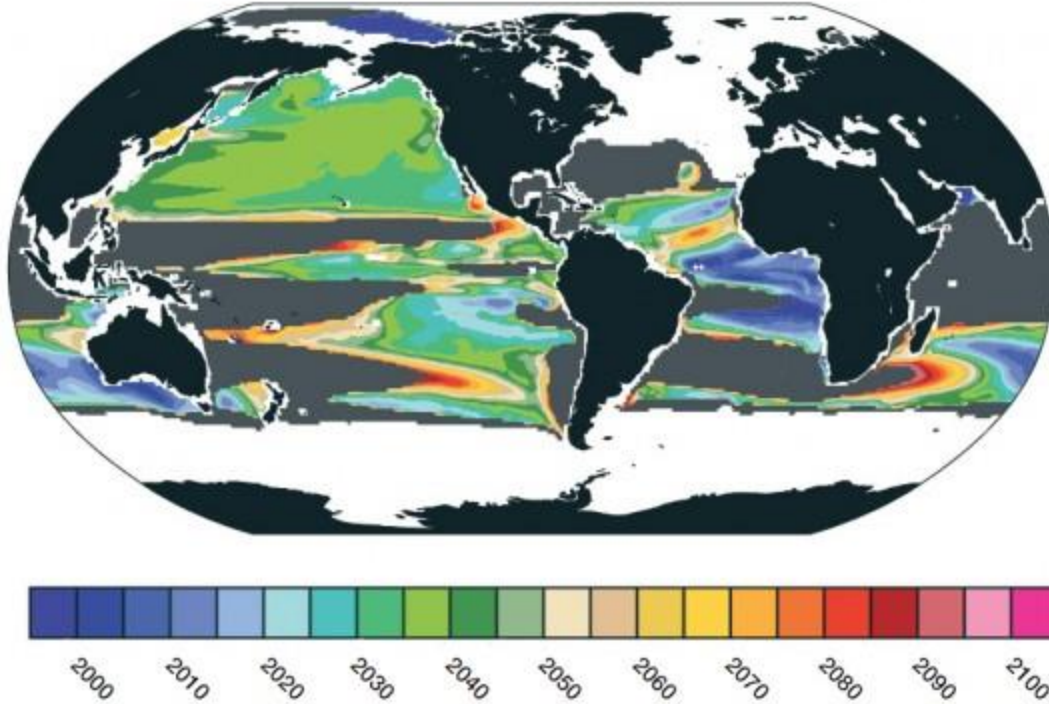
Photo credit: [Shutter stock](#) / Peter Leahy

A reduction in the amount of oxygen dissolved in the oceans due to climate change is already discernible in some parts of the world and should be evident across large regions of Earth's oceans between 2030 and 2040. That's according to a new [study](#) by scientists at the National Center for Atmospheric Research (NCAR) published in the journal *Global Biogeochemical Cycles*. Scientists know that a warming climate can be expected to gradually sap oceans of oxygen, leaving fish, crabs, squid, sea stars, and other marine life struggling to breathe. But it's been difficult to determine whether this anticipated oxygen drain is already having a noticeable impact.



## Oxygen loss in the oceans

Timeframe when ocean deoxygenation due to climate change is expected to become detectable



[View larger.](#) | Deoxygenation due to climate change is already detectable in some parts of the ocean. New research from NCAR finds that it will likely become widespread between 2030 and 2040. Other parts of the ocean, shown in gray, will not have detectable loss of oxygen due to climate change even by 2100. Image courtesy Matthew Long, NCAR.

NCAR scientist Matthew Long is lead author of the study. Long statement: Loss of oxygen in the ocean is one of the serious side effects of a warming atmosphere, and a major threat to marine life. Since oxygen concentrations in the ocean naturally vary depending on variations in winds and temperature at the surface, it's been challenging to attribute any deoxygenation to climate change. This new study tells us when we can expect the impact from climate change to overwhelm the natural variability.

The entire ocean — from the depths to the shallows — gets its oxygen supply from the surface, either directly from the atmosphere or from phytoplankton, which

release oxygen into the water through photosynthesis. Warming surface waters, however, absorb less oxygen. And in a double whammy, the oxygen that is absorbed has a more difficult time traveling deeper into the ocean. That's because as water heats up, it expands, becoming lighter than the water below it and less likely to sink. Thanks to natural warming and cooling, oxygen concentrations at the sea surface are constantly changing, and those changes can linger for years or even decades deeper in the ocean. For example, an exceptionally cold winter in the North Pacific would allow the ocean surface to soak up a large amount of oxygen. Thanks to the natural circulation pattern, that oxygen would then be carried deeper into the ocean interior, where it might still be detectable years later as it travels along its flow path. On the flip side, unusually hot weather could lead to natural "dead zones" in the ocean, where fish and other marine life cannot survive. To cut through this natural variability and investigate the impact of climate change, the research team used a global atmosphere model called the [Community Earth System Model](#). They used output from a project that ran the model more than two dozen times for the years 1920 to 2100 on the [Yellowstone supercomputer](#), which is operated by NCAR. Each individual run was started with miniscule variations in air temperature. As the model runs progressed, those tiny differences grew and expanded, producing a set of climate simulations useful for studying questions about variability and change. Using the simulations to study dissolved oxygen gave the researchers guidance on how much concentrations may have varied naturally in the past. With this information, they could determine when ocean deoxygenation due to climate change is likely to become more severe than at any point in the modeled historic range. The research team found that deoxygenation caused by climate change could already be detected in the southern Indian Ocean and parts of the eastern tropical Pacific and Atlantic basins. They also determined that more widespread detection of deoxygenation caused by climate change would be possible between 2030 and 2040. However, in some parts of the ocean, including areas off the east coasts of Africa, Australia, and Southeast Asia, deoxygenation caused by climate change was not evident even by 2100.

[Enjoying EarthSky? Sign up for our free daily newsletter today!](#)

Bottom line: According to a new study by scientists at the National Center for Atmospheric Research (NCAR), a reduction in dissolved oxygen in the oceans due

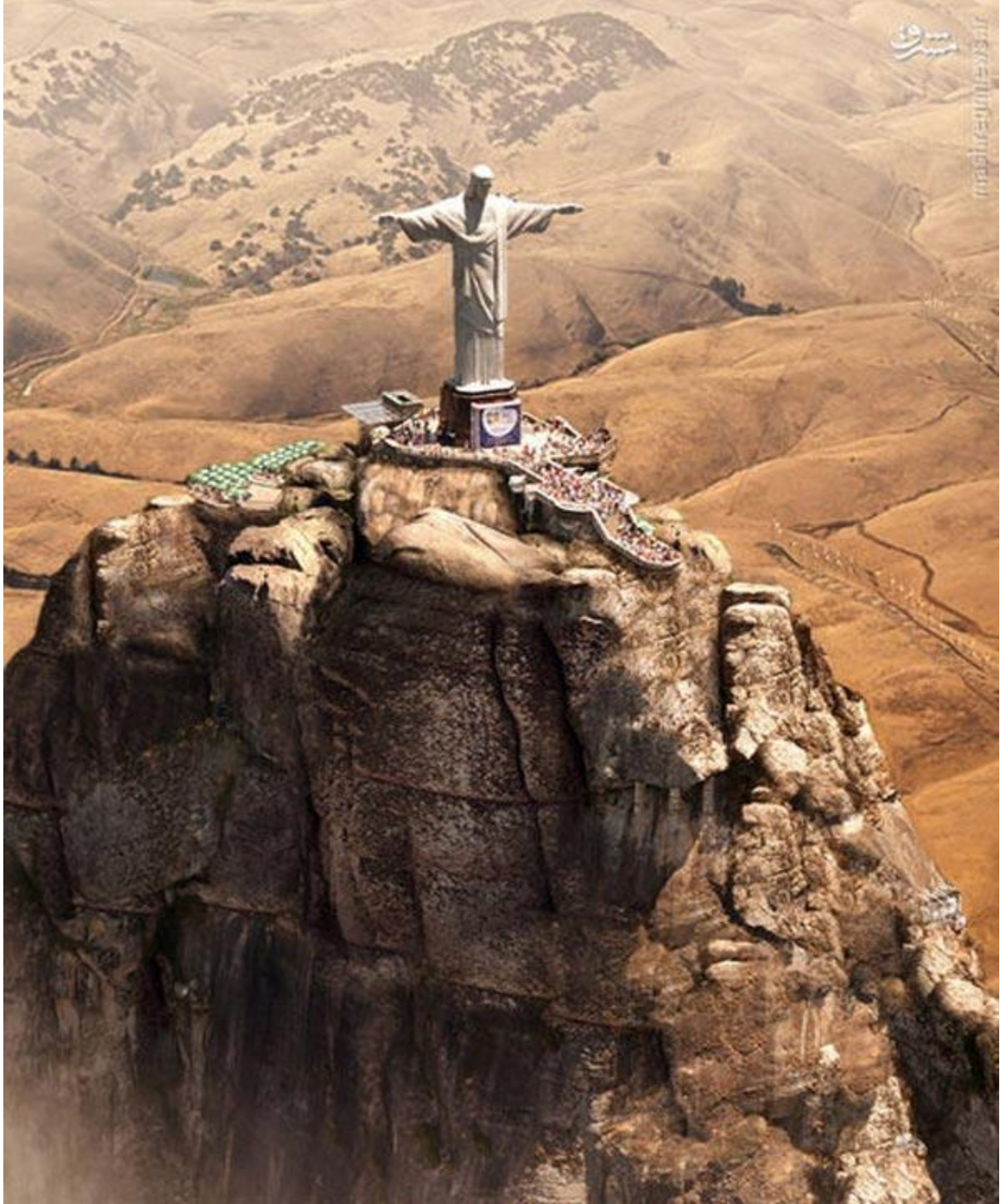
to climate change is already discernible in some parts of the world and should be evident across large regions of Earth's oceans between 2030 and 2040.

[Read more from NCAR](#)

دوران خشکسالی زمین به روایت تصویر

پنجاه سال پیش، زمانی که جمعیت در این سیاره از نیمی از جمعیت کنونی آن کمتر بود، درک مشترک این بود که آب بی‌نهایت است. مردم مانند امروز ثروتمند نبودند، کمتر کالری مصرف می‌کردند و گوشت کمتری می‌خوردند، بنابراین کمتری برای تولید مواد غذایی نیاز بود. آنها به یک سوم حجم آبی که ما در حال حاضر از رودخانه برداشت می‌کنیم نیاز داشتند. اما امروز، رقابت برای منابع آب بسیار شدید تر است. دلیل این است که در حال حاضر بیش از هفت میلیارد نفر روی زمین زندگی می‌کنند، مصرف گوشت و سبزیجات و آب در حال زیاد شدن است و رقابت برای آب در بخش‌های شهری و سوخت‌های زیستی بیشتر شده است. همانگونه که تنفس هوا امری بدیهی است مصرف آب هم نیاز حیاتی است. تصور می‌شد منابع آب نامحدودند، اما امروزه حتی کشورهای پیشرفته، محدودیت منابع آبی را درک نموده‌اند. آب کیمیا منابع موجود در جهان است و از اساسی‌ترین الزامات فعالیت‌های بشری محسوب می‌شود و اهمیت زیست محیطی آن را توان نادیده انگاشت. متأسفانه فعالیت‌های بشری موجبات تنزل کمی و کیفی منابع آب را فراهم ساخته است. پیش‌بینی‌ها دهنده به مدد آمار، وضعیت منابع آب جهان را بسیار مخاطره‌آمیز نشان می‌دهد و بیانگر این حقیقت تلخ است که سیاره (سیاره آب منظومه شمسی) با بحران شدید آب روبرو شده است! جوئل پریس، عکاس و گرافیک‌ساز سرشناس با کمک هنر گرافیکی خود، تصاویری جالب از دوران خشکسالی زمین را به تصویر کشیده است. خدا نکند که اینگونه شود...

مجسمه عظیم حضرت مسیح؛ برزیل



## پارک ملی بنف؛ کانادا



## دیوار بزرگ چین؛ چین



## برج ایفل؛ فرانسه



جزیره ایستر در کشور پولینزی در قاره استرالیا



دهکده ماچو پیچو؛ پرو

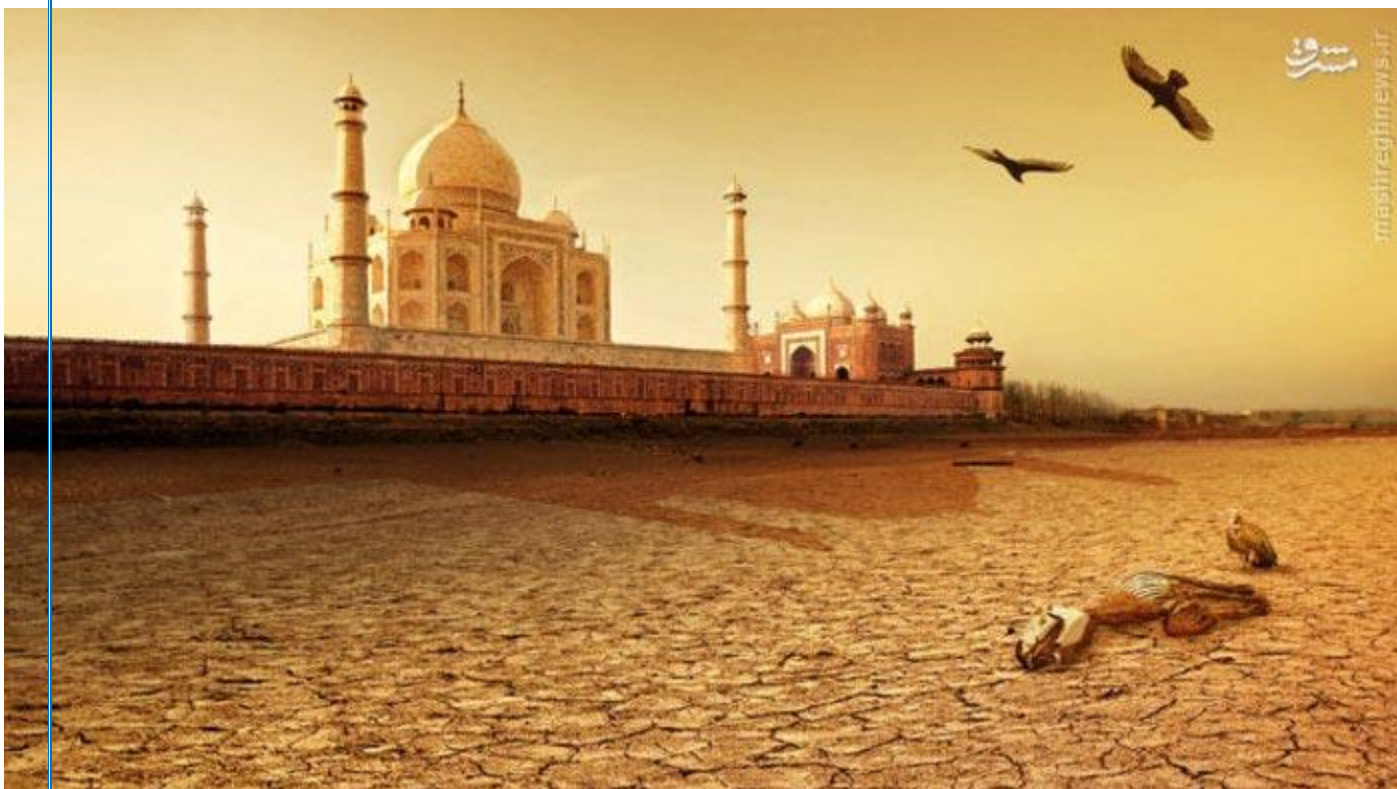




استون هنج؛ انگلیس



تاج محل؛ هند







Appendixes:

1. Can we grow food on Mars?
2. End of first part UFS
3. How about worry and afraid in the west?
4. Mahmoud saneipour resume
5. Truth of truth
6. your behavior creates your gender
7. انواع فهم و ادراکات بشری
8. غرب یک کیمیاگر عجیب است
9. قانون تلمود و پروتکل های غیر انسانی آن
10. کاپیتو لاسیون.